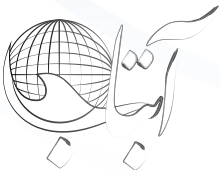
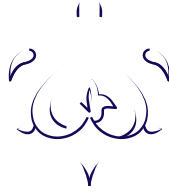




سرآغاز گفتار نام خداست
که رحمتگر و مهربان خلق راست
چو با یاری کردگار بشر
عیان گشت رایات فتح و ظفر
ببینی همه دسته دسته ز راه
بیایند در دین یکتا اله
ستایش کن آنگاه پروردگار
تو آمرزشی خواه از کردگار
که توبه پذیر است یکتا خدا
ببخشاید از بندگانش خطا

ترجمه شعری قرآن کریم از استاد «امید مجد»





دوستان عزیز برای تماس با ما می‌توانید از پل ارتباطی
Email: abtabjournal@gmail.com استفاده کنید. چنانچه از
کارشناسان ما سؤالی دارید، لطفاً با ذکر نام کارشناس مربوطه
پرسش خود را بیان نمایید؛ ما در جلد‌های آتی پاسخ شما را
مطرح خواهیم کرد. لطفاً نظرات، پیشنهادات و راهکارهای
سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. ماهنامه آبتاب هر ماه
به بهترین پیشنهادها و راهکارهای سازنده هدیه‌ای به رسم
یادبود اهداء خواهد کرد. همچنین هر یک از شما دوستان عزیز
در ایران و حتی دور از مرزهای سرزمین مادری، می‌توانید
خبرنگار افتخاری ما باشید. مطالب شما در صورت تأیید صحت
آنان توسط کارشناسان آبتاب به نام خودتان چاپ خواهد شد.
از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ کشور عزیزمان
ایران هستید، صمیمانه از شما سپاسگزاریم.



نشریه آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: آذر ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست‌گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مدیر اجرایی: آذر سعیدلونی

مشاور فنی: ابوطالب درویشان

محل انتشار: تهران

توزیع: سراسری

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افشان.

الهی چون یادت کنم که تو خود در یادی

به نام خدا، به نام خدای یکتایی که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. به نام همان که دلها با یادش آرام می‌گیرد. به نام او که می‌گوید: آنگاه که دوست داری کسی همواره به یادت باشد، به یاد من باش؛ که همواره به یاد تو هستیم. خدای مهربان، تو را شاکریم که به ما عزت بندگی ات را عطا کردی. خدایا ما انسان هستیم و خطاکار! ای بخشنده وای پوشاننده عیب‌ها، از تو می‌خواهیم که راه بازگشت بسوی خودت را بر ما بگشایی و دستمان را بگیری تا در پرتگاه زندگی سقوط نکنیم. همراهان خوب آبتاب، در روز اخلاق و مهرورزی، یادمان باشد که خداوند مهمان قلب‌های بخشنده است و بدانیم هرچه قلب‌های ما از کینه پر باشد، سهم ما از خدا کمتر است؛ پس بیایید تا در مورد هم قضاوت نکنیم. بیایید تا دلی را که کاشانه محبت است، با تیرگی شقاوت آغشته نکنیم. بیایید تا لبخندی بر لب یک ممنوع بنشانیم و دلی شکسته را مرهم باشیم. بیایید تا با گفتاری شیرین و مهربان با یکدیگر سخن بگوییم. بیایید دوستدار هم و غمخوار هم باشیم و در یک کلام بیایید تا تجلی زیبای خلقت باشیم.

سروران گرمی، این ماهنامه متعلق به شماست؛ ما را از نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند سازید.

مدیر مسئول ماهنامه آبتاب
فاطمه مهسا کارآموزیان

ولادت پیامبر مهربانی‌ها

حضرت محمد (ص) فرمودند: «با مردم آن گونه رفتار کنید که دوست دارید با شما آن گونه رفتار کنند، و از رفتار با آنها که خوشایندتان نیست، بپرهیزید.»

درباره پیامبر اعظم چه عرض بکنیم؟ جز اینکه بگوییم: پیامبر اعظم اسلام، مجموعه فضائل همه انبیاء و اولیاء است؛ نسخه‌ی کامل و تکامل یافته همه فضائلی است که در سلسله پیامبران و اولیاء الهی در تاریخ وجود داشته است.

«نام احمد نام جمله انبیاست
چون که صد آمد نود هم پیش ماست»

وقتی نام پیامبر اعظم را می‌آوریم، کأنه شخصیت ابراهیم، شخصیت نوح، شخصیت موسی، شخصیت عیسی، شخصیت لقمان، شخصیت همه‌ی بندگان صالح و برجسته و شخصیت امیر مؤمنان و ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) در این وجود مقدس، متبلور و مجسم است. پیامبر اعظم را می‌توان به درخشان‌ترین ستاره در کائنات عالم وجود تشبیه کرد و از آن وجود بزرگ و مقدس با این عنوان تعبیر کرد. چرا می‌گوییم ستاره‌ی درخشان، نمی‌گوییم خورشید؟ چون خورشید یک جسم و جرم مشخص و معین است، نورانی است و با عظمت است؛ اما یک جرم و یک کره آسمانی است؛ لکن در این ستاره‌هایی که شما

می‌بینید، ستاره‌هایی هستند که یک کهکشانند و از این کهکشانی که ما در شبهای تابستان در آسمان بالای سر خودمان می‌بینیم، هزاران برابر بزرگ‌ترند. کهکشان یعنی: آن مجموعه‌ای که هزاران منظومه و هزاران خورشید در آن هست. پیامبر اعظم یک وجود کهکشان‌وار است و در او هزاران نقطه‌ی درخشنده فضیلت وجود دارد. در پیامبر اعظم، علم همراه اخلاق هست؛ حکومت همراه حکمت هست؛ عبادت خدا همراه با خدمت به خلق هست؛ جهاد همراه با رحمت هست؛ عشق به خدا همراه با عشق به مخلوقات خدا هست؛ عزت همراه با فروتنی و خاکساری هست؛ روزآمدی همراه با دوراندیشی هست؛ صداقت و راستی با مردم همراه با پیچیدگی سیاسی هست؛ غرقه بودن جان در یاد خدا همراه با پرداختن به صلح و سلامت جسم هست؛ در او دنیا و آخرت همراه است؛ هدفهای والای الهی با اهداف جذاب بشری همراه است. او نمونه کاملی است که خداوند در عالم وجود، موجودی کامل تر از او نیافریده است؛ او مبشر است، بشارت‌دهنده است؛ منذر است، بیم‌دهنده است؛ بر همه بشریت و بر همه تاریخ شاهد و ناظر است؛ فراخواننده‌ی همه بشریت به سوی خداست و چراغ نورافشان راه انسانهاست.

«آنا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله بأذنه و سراجا منیرا»

بیانات مقام معظم رهبری درباره پیامبر اسلام (ص) - مشهد مقدس
۸۵/۱/۱ سال پیامبر اعظم (ص)

ماهنامه آبتاب ولادت پیامبر اکرم (ص) و هفته وحدت، همچنین ولادت امام جعفر صادق (ع) را خدمت مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و همه مسلمانان جهان تبریک می‌گوید. امید است که از پیروان شایسته آن حضرت و راه ولایت باشیم.

حضرت عیسیٰ (ع)

و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد. [مریم] گفت اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. گفت من فقط فرستاده پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام. گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود. پس [مریم] به او [عیسی] آبیستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست. تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرما می‌کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار؛ پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است. تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان بر تو خرمای تازه می‌ریزد. بخور و بنوش و دیده روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی بگوی من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت. پس [مریم] در حالی که او را در آغوش گرفته بود، به نزد قومش بازگشت. گفتند ای مریم به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود. [مریم] به سوی [عیسی] اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره [او] کودک است، سخن بگوییم. کودک گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است. درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم.

آیات ۱۶ تا ۳۳ سوره مریم، قرآن کریم

گروه فرهنگی آبتاب میلاد حضرت عیسیٰ (ع) و آغاز سال نو میلادی را را به تمام فارسی زبانان مسیحی در سرتاسر این کره خاکی تبریک می‌گوید.

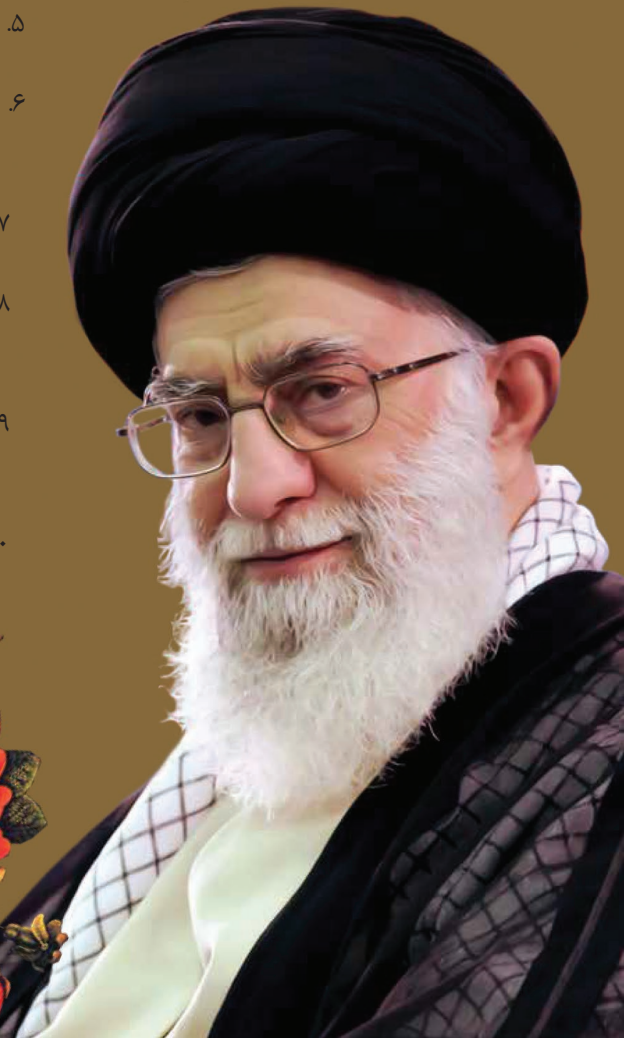




جنگ نرم از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۳۰ جمله کوتاه از سخنان مقام معظم رهبری در خصوص جنگ نرم:

۱. این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه اید.
۲. شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است.
۳. خط اغفال به خصوص خواص و نخبگان از تاثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است.
۴. در میدان تنظیم شده از سوی دشمن بازی نکنید... چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست.
۵. امروز اولویت اصلی کشور مقابله با جنگ نرم دشمن است.
۶. در جنگ نرم وظیفه مجموعه فرهنگی این است که هنر را تمام عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود.
۷. جنگ نرم، صحنه رویارویی دروغ‌های بزرگ با واقعیت‌های تردید ناپذیر است.
۸. در جنگ نرم، کافی است هواداران جبهه حق بیدارباشند و بیکار ننشینند، چرا که زبان حق همیشه مؤثرتر از زبان باطل است.
۹. فرهنگ یک سیستم است و دارای انواع و اجزائی است و مهندسی فرهنگ به عنوان یک مهندسی سیستم باید انجام پذیرد.
۱۰. فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است.



۱۱. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.
۱۲. یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند.
۱۳. در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند.
۱۴. مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است.
۱۵. من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می‌کنم؛ اول: جنگ روانی، دوم: جنگ اقتصادی و سوم: مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی.
۱۶. کسانی که نسبت به مسائل فرهنگی حساسیت داشته باشند، متوجه مسئله تهاجم فرهنگی خواهند شد.
۱۷. کار فرهنگی در ایران اسلامی مسئله‌ای است که نمی‌توان لحظه‌ای از آن غفلت کرد.
۱۸. مقابله آمریکا با جمهوری اسلامی ایران عملاً در استمرار جنگ روانی با نظام و ملت ایران، معنا پیدا می‌کند.
۱۹. دشمنان جمهوری اسلامی ایران باورهای سیاسی و دینی و نیز عادات حسنه ملت ما را با تکیه بر ابزارهای فرهنگی هدف‌گیری کرده‌اند.
۲۰. اکنون فرهنگ اسلام ناب که انقلاب اسلامی براساس آن بنیان نهاده شده است، دقیقاً هدف تهاجم دشمنان اسلام قرار دارد.
۲۱. برای مقابله اصولی و برنامه ریزی شده با این تهاجم دشمن، لازم است مدیریت متمرکز و هدایت‌کننده‌ای در امور فرهنگی به وجود آید.
۲۲. شیعه باید مدرن‌ترین شیوه‌های تبلیغ را برای رساندن پیام حق خود به دیگران مورد استفاده قرار دهد.
۲۳. هدف از عملیات روانی دشمن، تضعیف روحیه ملت ایران و نشانه‌ای از استیصال دولتمردان آمریکایی است.
۲۴. شکی نیست که امروز امواج تبلیغاتی پیچیده و درهم تنیده عالم، علیه اسلام متمرکز شده است.
۲۵. گستره تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، همه کشورهای دنیا است اما در این تهاجم مهمترین هدف نظام جمهوری اسلامی است.
۲۶. در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است.
۲۷. تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند.
۲۸. فرهنگ مایه اصلی هویت ملت هاست.
۲۹. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فن‌آور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند.
۳۰. در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید، هوشیاری لازم است.

قاچاق اسلحه و مهمات

پژوهشگر: مرتضی رجائی خراسانی

مبارزه با جرائم سازمان یافته و قاچاق سلاح گرم بسیار مهم است و نیاز است که سیستم کیفری و بخش‌های اجرای قانون بطور مؤثر وارد عمل شوند. در همین راستا لازم است تا شیوه‌های جدید قاچاق سلاح گرم و مسیرهای آن شناسایی شوند، لذا جهت تعیین ماهیت پیچیده قاچاق اسلحه نیاز به شواهد و داده‌های معتبر در سطح ملی و بین‌المللی داریم تا بتوانیم درک بهتری از این نوع جرائم داشته باشیم. اولین گام برای رویارویی با چالش سلاح‌های غیر قانونی، اجرای قانون کیفری می‌باشد که امری بسیار ضروری و مؤثر است. لازم به ذکر است که اسلحه غیر قانونی نه تنها میزان قتل را افزایش می‌دهد، بلکه قاچاقچیان مواد مخدر را نیز قوی‌تر می‌سازد. از طرف دیگر وجود سلاح‌های غیر قانونی میزان جرم و خشونت را علیه دختران و زنان افزایش می‌دهند.

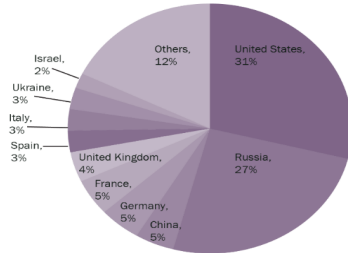
نتایج یک مطالعه توسط دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل، UNODC در مورد سلاح گرم نشان داد که قاچاق اسلحه جریان پویایی دارد و طبق کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته، «تولید غیر قانونی و قاچاق سلاح‌های گرم، قطعات و اجزای آنها و مهمات» ممنوع است. در همین راستا شناسایی مسیرهای مورد استفاده در قاچاق سلاح‌های گرم بسیار مهم هستند. گاهی این مسیرها جدید و غیر قابل پیش بینی می‌باشند.

دفتر مبارزه با جرائم سازمان یافته سازمان ملل یک تحقیق جامع با همکاری ۱۶ کشور عضو انجام داد و توانست ماهیت فرا ملی قاچاق سلاح گرم و مسیرها و الگوهای مورد استفاده قاچاقچیان را شناسایی کرده و اطلاعات مفیدی را در این ارتباط بدست آورد. بنابراین با پشتیبانی فنی UNODC، یک رویکرد استاندارد از قالب‌های معمول قاچاق بدست آمد.



در دسترس بودن اسلحه کوچک و سلاحهای
سبک عامل بیش از ۲۵۰ درگیری در دهه
گذشته بوده است، که منجر به بیش از ۵۰،۰۰۰
مرگ در هر سال شده است.

Top 10 arms exporters, for the period 2010–14, per cent of global share



ده قاچاقچی عمده سلاح بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ عبارت بودند از: ایالات متحده آمریکا ۳۷٪، روسیه ۲۷٪، چین ۵٪، اسرائیل ۲٪، اوکراین ۳٪، ایتالیا ۳٪، اسپانیا ۳٪، بریتانیا ۴٪، فرانسه ۵٪، آلمان ۵٪ و سایر کشورها ۱۲٪.



www.sipri.org

جالب است بدانید که جریان سلاح‌های با قدرت بالا از ایالات متحده به آمریکای لاتین و کارائیب، میزان خشونت در این مناطق را تشدید کرده و نفوذ آمریکا را در نیمکره غربی تضعیف کرده است. هرچند مجلس سنا آمریکا اقداماتی نظیر ممنوعیت حمل اسلحه و ممنوعیت خرید آنرا رد کرده، اما دولت اوباما هنوز هم می‌تواند به منظور کاهش در دسترس بودن سلاح‌های قاچاق و مهمات، اقدامات اجرایی مقتضی را بکار گیرد. با راه اندازی طرح مریدا در سال ۲۰۰۷، دولت‌های آمریکا و مکزیک به یک چارچوب مشترک جهت امنیت منطقه متعهد شدند. در این میان، ایالات متحده متعهد به تلاش جهت مبارزه با قاچاق سلاح و مهمات به مکزیک و جاهای دیگر در آمریکا شد و در همین راستا مبارزه را تشدید کرد.

دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل گزارش می‌دهد که دسترسی آسان به سلاح گرم یک عامل عمده بر افزایش قتل در آمریکای لاتین و کارائیب است. میزان قتل مربوط به اسلحه در آمریکای لاتین ۳۰ درصد بیش از میانگین جهانی در سال ۲۰۱۰ است. بانک جهانی تخمین می‌زند که نرخ جرم در آمریکای لاتین ۸ درصد تولید ناخالص ملی است که برای «اجرای قانون»، «ایجاد امنیت» و «درمان پزشکی» هزینه می‌گردد، لذا باید مقررات سهل گیرانه که سبب تشدید قاچاق بین‌المللی می‌شود را برداشت و با اجرای قانون قوی به مبارزه قاچاق سلاح گرم رفت.

اسلحه‌های غیرقانونی کوچک بیشتر موجب افزایش خشونت و قتل می‌گردند، چراکه این سلاح‌ها کوچک بوده و به راحتی قابل حمل هستند و کار با آنها به حدی آسان است که حتی یک کودک نیز می‌تواند با عضلات کوچک خود از آن استفاده کند. توجه داشته باشید که در دسترس بودن سلاح، شریک جنایات جنگی است. «بان کی مون»، دبیر کل سازمان ملل متحد، گفت که در دسترس بودن اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک عامل بیش از ۲۵۰ درگیری در دهه گذشته بوده است، که منجر به بیش از ۵۰،۰۰۰ مرگ

در هر سال شده است. در این میان غیرنظامیان، از جمله کودکان؛ بیشتر متضرر شده‌اند. قاچاق سلاح، تحت مدیریت ضعیف دولت‌ها به «شورشیان»، «باند‌های مواد مخدر»، «سازمان‌های جنایی»، «دزدان دریایی» و «گروه‌های تروریستی» اجازه می‌دهد تا قدرت خود را تقویت کنند. نماینده دولت عراق در سازمان ملل نیز اعلام کرد که وجود سلاح‌های قاچاق عامل کشتار انسان‌های بی‌دفاع در خاور میانه بوده است.

منبع:

<https://www.unodc.org/unodc/en/firearms-protocol/global-firearms-trafficking-study.html>

<http://www.cfr.org/arms-industries-and-trade/strategy-reduce-gun-trafficking-violence-americas/p31155>

<http://www.un.org/press/en/2015/sc11889.doc.htm>



کودکان پناهنده سوری

پژوهشگر: فاطمه مهسا کارآموزیان

افراد بسیاری از جنگ سوریه فرار کردند و بسیاری از آنان شاهد کشته شدن و یا شکنجه عزیزانشان بوده‌اند. برخی از آنها به کشورهای همسایه فرار کردند و زندگی سختی را به عنوان یک پناهنده می‌گذرانند. آنها زندگی جدیدی به دور از آرامش خانه‌های قدیمی خود شروع کرده‌اند. به گزارش آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد UNHCR، بسیاری از کودکان نان آور اصلی خانواده شده‌اند. به گفته این سازمان، زخمی از وحشت جنگ بر پیکر این کودکان به جای مانده است و آنها از اختلالات روانی رنج می‌برند. برخی از این کودکان جدا از پدر و مادر خود به تنهایی زندگی می‌کنند و به عنوان کودکان کار غیر قانونی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.

«نادیا» ۱۴ ساله، یک پناهنده تازه وارد به اردن است که می‌گوید: «ما در حال تحصیل بودیم، در حالی که اکنون هیچ امکانات آموزشی برای ما وجود ندارد. ما در حال رفتن به سمت نابودی هستیم.»

در درگیری‌های جاری در سوریه، خانواده‌های بیشماری از هم پاشیدند و افراد بسیاری بی‌خانمان شدند. بیش از ۲,۲ میلیون نفر به خارج از سوریه مهاجرت کردند و این مهاجرت‌ها بیش از همه زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار داد. آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، از شروع جنگ در مارس ۲۰۱۱ ارزیابی خود را بر روی کودکان پناهنده سوری که در اردن و لبنان بودند، آغاز کرد. اما باید گفت که برخی افراد به ترکیه و عراق فرار کردند و گروهی نیز به کشورهای اروپایی از جمله آلمان پناه بردند. همچنین، عده‌ای به مصر و شمال آفریقا فرار کردند.

گزارش‌های آژانس بیانگر وجود نا امنی و بحران برای کودکان پناهنده سوری می‌باشند.



کودکان یک زندگی دردناک و منزوی را تجربه می‌کنند. واکنش‌های احساسی و خشم در میان این کودکان رایج است. برخی از پسران پناهنده تمایل به بازگشت به سوریه و مبارزه دارند. اغلب کودکان پناهنده در آپارتمان‌های کهنه و یا پناهگاه‌های موقت چون چادر زندگی می‌کنند. در بسیاری از موارد خانواده‌های پناهنده از عهده مخارج خود بر نمی‌آیند، لذا کودکان خود را روانه کار می‌کنند.

«عبدالله» ۱۳ ساله، می‌گوید: او هر روز ساعت ۷ صبح برای خرید نان خشک از سایر پناهندگان در اردوگاه روانه کار می‌شود، تا به حفظ خانواده‌اش کمک کند. او نان خشک را به یک مرد اردنی می‌فروشد تا به مصرف دام‌هایش برساند. این کودک می‌گوید: احساس مردی را دارد که نان بر سر سفره خانواده‌اش می‌آورد. متأسفانه کودکان نان آور در بسیاری از خانواده‌ها هستند.

بسیاری از این کودکان در سن مدرسه هستند و از آن محروم می‌باشند، حتی نوزادانی که در تبعید به دنیا می‌آیند، از گواهی ولادت محروم هستند. «آنجلیا جولی» به عنوان نماینده ویژه کمیساری عالی پناهندگان گفت: «در حال حاضر جنگ داخلی یک جنگ تمام عیار است و سازمان ملل تخمین می‌زند که بیش از صد هزار نفر در درگیری‌ها کشته شده‌اند.»

گزارش اخیر صادر شده توسط آژانس پناهندگان سازمان ملل، بر روی تأثیر جنگ بر بیش از یک میلیون کودک سوری که درگیر خونریزی و چالش برای زنده ماندن هستند و به سرزمین‌های خارجی فرار کرده‌اند، متمرکز است. تا پایان اکتبر ۲۰۱۳، حدود ۵۲ درصد از ۲,۲ میلیون مردم سوریه که در آژانس ثبت نام کرده بودند، کودک بودند.

برخی از والدین این کودکان می‌گویند که کودکانشان دچار مشکلات خواب، شب ادراری و حتی مشکلات گفتاری شده‌اند و در مواردی دچار بیش‌فعالی تهاجمی شده‌اند و یا خجالتی و منزوی می‌باشند. کودکان بسیاری از اختلال استرس رنج می‌برند که نیاز به درمان دارند.

بیش از ۶۰ درصد از پناهندگان جوان به «لبنان» و «اردن» پناه برده‌اند، اما ورود این تازه واردان به برخی جوامع با تنش میان میزبان و مهمان همراه بوده است و به همین دلیل استرس و وحشت در میان پناهندگان موج می‌زند. فضای خشن و ناامن کودکان را منزوی‌تر و ناامیدتر کرده است، بطوریکه در مواردی مرتکب سرقت و یا خرابکاری می‌شوند و یا حتی آموزش می‌بینند تا برای بازگشت به سوریه و مبارزه آماده شوند.

«یونیسف» تخمین می‌زند که از هر ۱۰ کودک پناهنده سوری، ۱ کودک در حال



کار کردن است. به خاطر ارزان بودن و کمی دستمزد کودکان، بسیاری از کارفرمایان کودکان را استخدام می‌کنند. آنها در قبال دریافت دستمزد اندکی ساعتهای طولانی و اغلب در شرایط خطرناک در رستوران‌ها، آرایشگاه‌ها، فروشگاههای پوشاک و معادن سنگ و مغازه‌های نجاری کار می‌کنند. برای بسیاری از این کودکان بازگشت به مدرسه یک رؤیاست. ما با یک نسل کاملاً بی‌سواد از پناهندگان در آینده مواجه هستیم. تنها در «لبنان» و «اردن» کودکان پناهنده سوری در مدارس ثبت نام شدند. با این حال هیچ یک از این دو کشور قادر به تأمین هزینه‌های پوشاک و تحصیل کودکان سوری نیستند. مدارس با ازدحام جمعیت مواجه هستند و این کودکان چه از نظر مالی و چه از نظر درسی به دلیل عقب افتادگی‌های بسیار نمی‌توانند هر روز راحت به مدرسه بروند. همچنین در لبنان در کلاسهای درس به زبان انگلیسی یا فرانسه صحبت می‌شود و این نیز مانعی دیگر برای کودکان سوری است که تنها به عربی سخن می‌گویند.

جنگ را متوقف کنید! من یک کودکم، جسم من تاب خشونت را ندارد.

منبع:

<http://edition.cnn.com>
<http://world.time.com>

دود در آسمان یمن

یک نقاش
لهستانی با دیدن
عکس دود در
آسمان یمن، به
دلیل بمباران‌های
عربستان سعودی؛
این طراحی را
کشید و میلیون‌ها
نفر در سرتاسر
دنیا را متأثر کرد.



یونیسف می‌گوید: «کودکان فشار جنگ در یمن را تحمل می‌کنند». نزدیک به چهارصد کودک از زمان شروع حملات عربستان تا پایان ماه مارس ۲۰۱۵ در یمن کشته شده‌اند و حدود ۳۷۷ کودک به عنوان سرباز از زمان حمله عربستان درگیر جنگ شده‌اند.

«جولین هارنيس»، نماینده یونیسف در یمن، گفت: «این درگیری یک تراژدی خاص برای کودکان یمنی است. این کودکان هستند که توسط بمب یا گلوله کشته می‌شوند و کسانی که زنده مانده‌اند با تهدید بیماری و سوء تغذیه مواجه هستند. درگیری‌ها نباید ادامه پیدا کند». او در ادامه گفت که جنگ یک عامل ویرانگر است که برای زندگی آینده کودکان عواقب وحشتناکی به همراه دارد. عفو بین‌الملل گفت که در این جنگ مردم بیگناه کشته شده‌اند و این جزء

جرائم جنگی محسوب می‌شود که متأسفانه در میان کشته شدگان کودکان نیز وجود دارند. این در حالی است که سعودی‌ها در حال رهبری یک ائتلاف مورد حمایت ایالات متحده عربی برای انجام حملات هوایی علیه مبارزان حوثی از ماه مارس هستند. دفتر حقوق بشر سازمان ملل گفت: «حداقل ۱۹۵۰ غیرنظامی در جنگ کشته شده‌اند و در این میان ۱,۳ میلیون نفر دیگر از خانه‌های خود فرار کرده‌اند». لازم به ذکر است که یمن فقیرترین کشور در جهان عرب است. «یونیسف» گزارش می‌دهد که حدود ۱۰ میلیون کودک یمنی نیاز به کمک‌های انسانی دوستانه فوری دارند و بیش از نیم میلیون زن باردار در یمن بعلت نبود تجهیزات پزشکی در معرض خطرات عوارض بارداری و زایمان هستند.

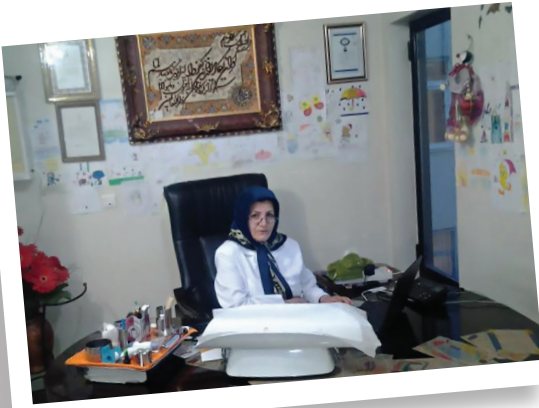
و متأسفانه در اکتبر ۲۰۱۵ یونیسف اعلام کرد که بیش از ۵۰۰ کودک در جنگ یمن کشته شده‌اند. در ادامه اخبار گزارش شد که بعد از حدود شش ماه از جنگ ۵۰۵ کودک کشته و بیش از ۷۰۲ نفر زخمی شده‌اند. «یونیسف» اعلام کرد که از آنجا که یمن کشوری است که تنها حدود ۱۰ درصد از مواد غذایی مورد نیاز خود را تولید می‌کند و ۹۰ درصد از نیازهایش از طریق واردات تأمین می‌شود، لذا شرایط بحران و جنگ موجب شده است تا بیش از ۱,۷ میلیون کودک از سوء تغذیه حاد رنج برند. هر روز که می‌گذرد، کودکان رؤیاهای و آرزوهای خود را در هم شکسته می‌بینند. آنان خانه‌ها، مدارس و جامعه خود را در حال نابودی نظاره می‌کنند. کودکان آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند و باید برای نقض فاحش حقوق کودک به سرعت وارد عمل شد.

منبع:

<http://www.aljazeera.com/news/2015/08/children-bearing-brunt-war-yemen-unicef-150819101743630.html>

<https://www.rt.com/news/317473-yemen-children-deaths-malnutrition>

ضرورت مصرف مکمل‌ها در کودکان زیر دو سال



نویسنده: دکتر فاطمه رجیبیور
فوق تخصص خون و آنکولوژی،
متخصص کودکان و نوزادان
عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی

یکی از راهکارهای عمده برای پیشگیری و کنترل کمبود ریزمغذیها در کودکان، مکمل یاری است. در کشور ما بر اساس نتایج بررسی‌های کشوری انجام شده کمبود آهن و کم خونی ناشی از آن در کودکان زیر دو سال کشور شایع است.

کمبود آهن و کم خونی ناشی از آن با عوارض متعددی که بعضاً غیر قابل جبران است همراه است. مطالعات نشان داده است که اثرات نامطلوب فقر آهن در دوران جنینی و دو سال اول زندگی کودک بر رشد و تکامل مغزی غیر قابل جبران است. تکامل و هماهنگ شدن حرکات کودکان کم خون به تاخیر می‌افتد و این کودکان در مدرسه نیز یادگیری کمتری دارند. ضریب هوشی این کودکان ۵ تا ۱۰ امتیاز کمتر از حد طبیعی برآورد شده است. در کودکان مبتلا به کم خونی فقر آهن میزان ابتلا به بیماریهای عفونی بیشتر است، زیرا سیستم ایمنی آنها قادر به مبارزه مؤثر با عوامل بیماریزا نیست.

کمبود ویتامین A از دیگر مشکلات تغذیه‌ای شایع در جهان بشمار می‌رود. افزایش مرگ و میر در اثر بیماری به ویژه سرخک در کودکان مبتلا به کمبود ویتامین A گزارش شده است و خطر ابتلا به بیماری‌های تنفسی و اسهالی در این کودکان دو تا سه برابر بیشتر است. اختلال در سیستم خون سازی، کاهش رشد و افزایش ابتلا به بیماری‌ها به دلیل کاهش قدرت ایمنی بدن از دیگر عوارض و پیامدهای کمبود ویتامین A می‌باشد. کمبود ویتامین D نیز در شیرخواری منجر به بیماری «ریکتز» یا «راشیتیزم» می‌شود. براساس دستور عمل‌های وزارت بهداشت، به منظور پیشگیری و کنترل کمبود این ریزمغذیها و کاهش عوارض نامطلوب آنها بر سلامت کودکان لازم است کلیه کودکان زیر دو سال مکمل‌های آهن، مولتی ویتامین و یا A و D را مطابق با پروتکل‌های تدوین شده مصرف نمایند.

مکمل‌های مورد نیاز کودکان شیرخوار

کودکان شیرخوار در کشور ما مکمل آهن، ویتامین A و D را بر اساس دستور عمل‌های موجود باید بطور روزانه مصرف کنند. در مورد مکمل آهن، بر اساس دستور عمل وزارت بهداشت، برای کلیه شیرخوارانی که با وزن طبیعی متولد می‌شوند (اعم از شیر مادر خوار و یا شیر خشک خوار) دادن قطره آهن از پایان ۶ ماهگی و یا همزمان با شروع تغذیه تکمیلی تا پایان ۲۴ ماهگی به میزان روزانه ۱۲/۵ میلی گرم آهن المنتال توصیه می‌شود. برای پیشگیری از کمبود ویتامین A و D در کشور ما بر اساس برنامه کشوری تجویز روزانه قطره مولتی ویتامین و یا قطره A+D از روز پانزدهم پس از تولد تا حداقل ۱۲ ماهگی به میزان روزانه ۲۵ قطره که معادل ۱۵۰۰ واحد بین‌المللی ویتامین A و ۴۰۰ واحد بین‌المللی ویتامین D است، باید انجام شود. استفاده از نور مستقیم آفتاب (نه از پشت شیشه) به مدت ۱۰ دقیقه در روز نیز برای تأمین ویتامین D، بطوری که صورت و دست و پای کودک در معرض آفتاب قرار گیرد، توصیه می‌شود.

نحوه مصرف مکمل در کودکان نارس

در مورد مکمل آهن، برای کلیه شیرخوارانی که با وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم متولد می‌شوند (اعم از شیر مادر خوار یا شیر خشک خوار) از زمانی که وزن آنها دو برابر وزن هنگام تولد می‌رسد تا پایان ۲۴ ماهگی قطره آهن به میزان روزانه ۱۲/۵ میلی گرم آهن المنتال توصیه می‌شود. قطره مولتی ویتامین و یا A و D در کودکان نارس مانند کودکان طبیعی از ۱۵ روزگی باید داده شود.

آیا مصرف مکمل در کودکان شیر مادرخوار و شیرخشک خوار متفاوت است؟

تمام کودکان اعم از اینکه با شیر مادر و یا شیر مصنوعی تغذیه شوند، لازم است از مکمل‌های آهن ویتامین A و D و یا مولتی ویتامین استفاده کنند. بعضی از مادران فکر می‌کنند که کودکان شیرخشک خوار نیازی به مکمل ندارند. درحالی که باید بدانند شیرخشک‌های موجود در بازار غنی شده نیست به عبارت دیگر آهن، ویتامین A و D به آنها اضافه نشده است و مقادیری که بر روی قوطی شیرخشک درج می‌شود، در حقیقت همان مقادیر طبیعی در ترکیب شیرخشک است که نیاز بدن شیرخوار را برآورده نمی‌کند و لازم است این ریزمغذیها بصورت مکمل و بطور روزانه به آنها مطابق با پروتکل‌های وزارت بهداشت داده شود.

چه زمانی جهت مصرف مکمل در طول روز برای کودک مناسب‌تر است؟

مکمل آهن را نباید همزمان با وعده شیر کودک به وی داد زیرا کلسیم موجود در شیر،

از جذب آهن جلوگیری می‌کند. بعضی از مادران بعلت تیره شدن رنگ دندان شیرخوار از دادن قطره آهن به شیرخوار خودداری می‌کنند، اینکار لطمه غیر قابل جبرانی به رشد و تکامل مغزی شیرخوار و در نتیجه کاهش ضریب هوشی وی وارد می‌کند که قابل جبران نیست. به مادران توصیه می‌شود که قطره آهن را در یک قاشق مرباخوری ریخته و در عقب دهان کودک بریزند و سپس مقداری آب به او بدهند تا از تیره شدن رنگ دندانها جلوگیری شود. علاوه بر آن به مادر یادآوری می‌شود که قطره آهن موجب تغییر رنگ مدفوع کودک می‌شود که موجب نگرانی نیست.

میوه‌ها و آب میوه‌ها بخصوص مرکبات موجب افزایش جذب آهن می‌شوند و می‌توان قطره آهن را همراه با آنها که متناسب با سن کودک باشد به او داد. درمورد مولتی ویتامین و یا قطره A و D پس از وعده شیر و یا غذای کمکی مشکلی ایجاد نمی‌کند.

چرا مادران شیرده باید به مصرف مکمل ادامه دهند؟

در دوران شیردهی مادران برای بهبود ذخایر بدنی خود باید مکمل آهن و مولتی ویتامین مینرال را تا سه ماه پس از زایمان ادامه دهند. ذخایر آهن مادر در دوران بارداری برای تامین آهن مورد نیاز جنین مصرف می‌شود و خونریزی هنگام زایمان نیز به ازدست دهی آهن بدن کمک می‌کند بنابراین برای تکمیل ذخایر آهن بدن لازم است، مادران شیرده از مکمل آهن به میزان روزانه یک عدد قرص «سولفات فرو» مطابق با توصیه‌های وزارت بهداشت استفاده نمایند. مکمل‌های ویتامین مینرال که در دوره بارداری مصرف آن توصیه می‌شود نیز در دوره شیردهی تا سه ماه پس از زایمان روزانه یک عدد مطابق با دستور عمل‌های وزارت بهداشت باید مصرف شود. مصرف این مکمل‌ها علاوه بر تکمیل ذخایر بدن مادر، موجب بهبود ترکیب شیر مادر از لحاظ ویتامین‌ها و املاح معدنی موردنیاز شیرخوار می‌شود.

آیا سایر مکمل‌های موجود در بازار نیز برای شیرخوار سودمند است؟

بعضی از مادران فکر می‌کنند اگر از مکمل‌های ویتامین مینرال خارجی به شیرخوار خود بدهند، به رشد و سلامت شیرخوار کمک کرده‌اند. درحالی که این طور نیست. این مکمل‌ها معمولاً مطابق با استانداردهایی که وزارت بهداشت به لحاظ میزان ویتامین بویژه A و D املاحی مثل: «آهن» و «روی» اعلام کرده است، نیستند؛ لذا علاوه بر این که خانواده‌ها هزینه گزافی برای خرید آنها می‌پردازند، محصولی با مقادیر کم و نامناسب از ویتامین‌ها و املاح به کودکانشان می‌دهند. درحالی که اگر در برنامه غذایی کودک، از انواع مغزها (بادام، فندق، پسته، گردو) استفاده شود؛ این مواد مغذی سرشار از «آهن»، «روی»، «منیزیم»، «فسفر»، «پتاسیم»، «تیامین»، «ریبوفلاوین» و «چربی‌های بلند زنجیره غیراشباع» و «امگا» ۳ می‌باشند.

همچنین انواع حبوبات مانند: «نخود آبگوشتی»، «انواع لوبیاها» و «عدس» که منابع غنی از «پروتئین»، «پتاسیم»، «آهن»، «اسید فولیک»، «منیزیم»، «مس» و «فیبر» می‌باشند؛ نیاز بدن کودک را تأمین می‌کنند. اسیدهای چرب EPA و DHA که کمپانی‌ها ادعا می‌کنند، در محصولاتشان به کار می‌برند، در روغن زیتون و روغن آفتاب گردان وجود دارد و اگر در پخت غذای کودکان از این روغن‌ها استفاده شود از بهترین و سالم‌ترین اسیدهای چرب برخوردار می‌شوند.

کودکان تا دو سالگی به جز قطره A و D یا مولتی ویتامین (و قطره یا شربت آهن به هیچ مکمل دیگری نیاز ندارند. خوشبختانه شرکت‌های ایرانی این فرآورده‌ها را با فرمول و مقدار صحیح به بازار عرضه کرده‌اند. مصرف مکمل «روی» و «امگا۳» در دوران شیردهی ضرورتی ندارد. در صورتی که مادر شیرده از اصول تغذیه صحیح پیروی کند و در برنامه غذایی روزانه دو اصل تنوع و تعادل را رعایت نماید و گروه‌های غذایی اصلی را به مقدار کافی مصرف کند نیازی به مصرف این گونه مکمل‌ها ندارد.





حضور و کیل در حین دادرسی

خوانندگان عزیز، استاد «سید جمال موسوی» و کیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی؛ یکی از حقوقدانان برجسته ایران می‌باشند که در این مبحث با شما از قواعد حقوقی صحبت خواهند کرد.


هرچند منشور ملل متحده، حق حاکمیت داخلی کشورها را به رسمیت شناخته و اعطای حق رأی برابر به کلیه‌ی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی، ایشان را در موضع یکسان قرار می‌دهد، اما این حقوق به معنای فعال مایشاء گردیدن کشورها در اداره امور داخلی خود نیست.

امروز ارزشهای انسانی و اخلاقی دموکراسی و مردم‌سالاری به مفهوم صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، ملاک ارزش‌گذاری نظام‌های سیاسی است. در یک کشور دموکراتیک رابطه صحیح و سالم میان دولت و قدرت حاکم با ملت بر اساس قواعد سازمان‌یافته تحزب‌گرایی، احترام به عقاید مخالفین ما و تعاطی آراء و افکار شکل می‌گیرد. بنابراین، نظام حاکم از آن حیث که قدرت را نه ملک طلق خود، بلکه ودیعه و امانت می‌داند، برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش را در مسیر اهداف آمال ملت قرار می‌دهد. صرف‌نظر از آنکه تکریم قواعد و اصول سالم انتقال قدرت، همیشه احوال در معرض نقد و نقادی افکار عمومی جامعه قرار دارد. در حالی که در نظام‌های غیر دموکراتیک این موضوع اساسی، به ندرت مورد توجه است. چراکه دولت و قدرت حاکم، خود را نماینده منتخب ملت نمی‌داند. بنابراین، خود را نیز معذب به توجه و افکار عمومی نمی‌داند. اصول مبنایی همچون، آزادی بیان و اندیشه، آزادی اجتماعات، برابری و مساوات میان انسانها بدون در نظر گرفتن هرگونه تبعیض از حیث رنگ، نژاد، جنس، مذهب، طبقه اجتماعی و غیره، علی‌الاصول مورد پذیرش تمام ادیان الهی بوده و حاصل مجاهدات و مبارزات فکری اندیشمندان و آزادی خواهان در اواخر قرن هجده میلادی، از انقلاب کبیر فرانسه تا تمامی تحولات عظیمی که از بعد از جنگ‌های خانمان سوز اول و دوم جهانی صورت گرفت، تحت عنوان حقوق بشر به مقوله‌ای حیاتی در روابط میان انسانها و دول

تبدیل گردیده است. امروزه حقوق بشر به آرزوی مشترک جامعه بشری تبدیل شده و دولت‌ها نظر به تعهد دو سویه خود با ملت، خویشتن را مکلف به تبعیت، پیروی و حمایت از آن می‌دانند. به عبارت بهتر تلقی مشترک جامعه بشری از حقوق بشر از سطح داخلی به حوزه روابط بین‌المللی گسترش یافته است و بررسی معاهدات بین‌المللی مختلفی نظیر منشور ملل متحد، ساخت حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، چنین استدلالی را تقویت می‌نماید. به طور مثال، بررسی قانون اساسی اتحادیه اروپا آمل و آرزوهای دول اروپایی در پی ریزی ساختاری متشکل و یکنواخت میان کشورهای عضو، به منظور پرهیز از وقوع فجایع جنگ دوم جهانی که بیش از پنجاه میلیون نفر را در اقصی نقاط دنیا به کام مرگ کشید، عزم راسخ ایشان را به آنکه میزان تمامی مناسبات بین‌المللی فی ما بین خود و سایر دول را بر اساس حقوق بشر قرار دهند؛ نشان می‌دهد. این تفکر از بعد از جنگ جهانی دوم، عملاً مفهوم اصل حاکمیت داخلی را تحت تاثیر قرار داده است. به شکلی که وضع تصویب قوانین معارض با اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر با تمسک به اصل احترام به حاکمیت داخلی کشورها، تا حمایت از آن می‌داند. به عبارت بهتر تلقی مشترک جامعه بشری از حقوق بشر از سطح داخلی به حوزه روابط بین‌المللی گسترش یافته است و بررسی معاهدات بین‌المللی مختلفی نظیر منشور ملل متحد، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، چنین استدلالی را تقویت می‌نماید. به طور مثال بررسی قانون اساسی اتحادیه اروپا و آمل و آرزوهای دول اروپایی در پی ریزی ساختاری متشکل و یکنواخت میان کشورهای عضو، به منظور پرهیز از وقوع فجایع جنگ دوم جهانی که بیش از پنجاه میلیون نفر را به کام مرگ کشید عزم راسخ ایشان را به آنکه میزان تمامی مناسبات بین‌المللی فی ما بین خود و سایر دول را بر اساس حقوق بشر قرار دهند، نشان می‌دهد. این تفکر از بعد از جنگ جهانی دوم، عملاً مفهوم اصل حاکمیت داخلی را تحت تاثیر قرار داده است. به شکلی که وضع تفسیر قوانین معارض با اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر با تمسک به اصل احترام به حاکمیت داخلی کشورها، تا حد بسیاری مشتریان خود را از دست داده است. به عبارت بهتر احترام موازین و قواعد حقوق بشر، جزء تعهدات بین‌المللی کشورهاست و دول ملزم به اجرایی نمودن آن در قوانین عادی و اساسی خود می‌باشد. بنابراین، هر گونه اقدامی خلاف تعهدات بین‌المللی پیش گفته، و کشور ناقض آن تعهدات را در معرض مسئولیت بین‌المللی و آثار و عواقب وخیم سیاسی قرار می‌دهد.

در اصل برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی به عنوان مبنای پذیرفته شده روابط بین‌المللی، قاضی بین‌المللی را مکلف به عدم توجه و بی‌اعتبار تلقی نمودن اقدامات ناقض تعهدات بین‌المللی کشورها در حوزه حقوق داخلی می‌سازد. متأسفانه، هم اکنون موارد متعددی از نقض یا تهدید حقوق بشر و آزادی‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها در قوانین

عادی کشورمان دیده می‌شود که البته باید نسبت به رفع اصلاح آن اقدام عاجل به عمل آید. اما به اقتضای حرفه و در حد مجال تنها به ذکر تماثیلی در این خصوص خواهیم پرداخت. بدون شک در یک کشور مردم‌سالار و دموکراتیک سنگ محک اعتبار عدالت در یک جامعه عملکرد دستگاه دادگستری آن است و شاید به این دلیل است که در این گونه کشورها، تشریفات مربوط به آئین دادرسی کیفری به دلیل حساسیت وافر آن در حفظ حقوق متهمین و صیانت از کرامت انسانی ایشان مورد توجه فراوان قرار می‌گیرد. بدین اعتبار در تمامی مراحل مختلف دادرسی اعم از تحقیقات مقدماتی، جلسات دادرسی، صدور حکم تجدید نظر، فرجام و النهایه صدور و اجرای حکم حقوقی بنیادین برای متهم یا مجرم شناخته می‌شود، که البته بی‌توجهی به آن اعتبار رسیدگی کیفری را در معرض ابهام قرار می‌دهد. به طور مثال، در نظام حقوقی فرانسه یا آلمان به محض دستگیری یک متهم ضمن تفهیم اتهام به وی، مأمورین مکلف هستند تا حق سکوت و یا در اختیار داشتن یک وکیل را به متهم گوشزد نمایند. در بسیاری از فیلم‌های پلیسی که در سیما پخش می‌شود، دیده و شنیده ایم که متهم بلافاصله پس از دستگیری این جمله را بر زبان می‌آورد که "بدون حضور وکیل یک کلمه نیز حرف نخواهم زد." بدین معنا انجام تحقیقات مقدماتی و بازجویی از متهم بدون حضور وکیل دادگستری از حیز اعتبار ساقط گردیده و فاقد هرگونه ارزش قانونی تلقی می‌شود. این وضعیت واجد دو نفع اساسی و غیر قابل انکار است. زیرا از سوئی امکان انکار بعد از اقرار را از متهم سلب نموده و از اطاله دادرسی جلوگیری می‌نماید و از سوی دیگر اعتبار پرونده قضایی متشکله را نزد افکار عمومی جامعه افزون می‌سازد.



کودک آزاری وراههای درمان آن

مریم باباخانی، روانشناس بالینی

«کودک آزاری» عبارت است از: «هر گونه فعل یا ترک فعلی که باعث آزار روحی و جسمی در کودک شده و سبب ایجاد آثار ماندگار در وجود او شود. کودک آزاری شامل رفتارهایی است که توسط بزرگسالان، نسبت به کودکان انجام می‌گیرد و به نوعی به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب می‌رساند.»

کودکان برای رشد و سلامت نیاز به حمایت و مراقبت والدینی دارند که دارای سلامت روانی باشند، اما گاهی بزرگسالان به جای مواظبت و حمایت کودکان آنان را مورد آزار جسمی و روانی قرار می‌دهند. بزرگسالان شامل پدر، مادر، برادر، خواهر، افراد فامیل (عمه، عمو، دایی و...)، کارکنان مدرسه (مدیر، معلم، ناظم و...)، حتی افراد غریبه خارج از مدرسه می‌شوند.

«ممانعت از حضور در کلاس درس»، «محروم کردن کودک از غذا»، «حبس در حمام یا زیر زمین»، «تنبیه بدنی» و «تجاوز جنسی به کودک»؛ از انواع کودک آزاری محسوب می‌شوند. رفتارهایی که به صورت تصادفی انجام می‌گیرند، کودک آزاری به حساب نمی‌آیند. مانند اینکه کودکی به علت تصادف با اتومبیل دچار نقص جسمی شود. گاهی والدین چون خود در گذشته کودکی سختی را گذرانده‌اند، فرزندان خود را تحت

همان شرایط بزرگ می‌کنند. در واقع در اثر فشارهای گذشته، والدین دچار آسیب‌های روانی شده‌اند ولی به بیماری خود واقف نیستند. یا به عبارتی، والدین قربانی کودکان خود را تحت تاثیر گذشته قربانی می‌کنند و این شرایط در صورت عدم درمان و آموزش صحیح، به نسل‌های بعد منتقل خواهد شد. متأسفانه آمارها نشان می‌دهند که درصد کودک آزاری، توسط والدین کودک و یا سرپرست وی؛ بیشتر از افراد غریبه است. مطابق کنوانسیون کودک، کسی است که هنوز سن ۱۸ سالگی را به اتمام نرسانده است باید تحت حمایت و پوشش خانواده باشد، در این قانون افراد زیر ۶ سال را خردسال، ۶ تا ۱۲ سال را کودک و ۱۲ تا ۱۸ سال را نوجوان می‌دانند. هرچه کودک کوچک‌تر باشد، آسیب پذیرتر است.

کودک آزاری انواع مختلفی دارد، که عبارتند از:

- * **کودک آزاری جسمی**، یعنی رفتارهایی که به جسم کودک صدمه می‌زند؛ مانند: «کتک زدن»، «سوزاندن»، «مجروح کردن»، «شکستن استخوان».
- * **کودک آزاری روانی**، شامل رفتارهایی است که به سلامت روانی کودک آسیب می‌رساند. مانند: «توهین کردن»، «ترساندن»، «تحقیر کردن» و «تبعیض گذاشتن».
- * **بی‌توجهی و غفلت**، یعنی توجه نکردن به نیازهای اساسی کودک؛ مانند: «تغذیه»، «بهداشت»، «پوشاک» و «آموزش» در حدی که به سلامت جسمی و روانی کودک آسیب برساند.
- * **سوء استفاده از کودک**، به معنی بکار واداشتن کودک در ارتباط با «مواد مخدر»، «سرباز اجباری»، «آزار جنسی» و «کار اجباری» است.

دلایل کودک آزاری چیست؟

- * **عدم آگاهی والدین**: گاهی والدین یا مراقبین کودک از طریق تبیه بدنی یا کلامی کودک را مورد تحقیر و توهین قرار می‌دهند و به نیازهای اساسی کودک توجه نمی‌کنند، چون از عواقب رفتار خود اطلاعی ندارند و رفتار خود را عادی می‌پندارند.
- * **اعتیاد**: مصرف مواد مخدر و محرک موجب خشم و پرخاشگری و بی‌مسئولیتی در مصرف‌کننده می‌شود. در نتیجه کودک در شرایط مناسبی رشد نمی‌کند.
- * **اختلالات و بیماری‌های روانی**: اگر یکی از مراقبین کودک دارای بیماری روانی باشد، ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه، ناسازگارانه، تندخویی و بی‌توجهی که ناشی از اختلال روانی است را داشته باشد. در نتیجه این رفتارها موجب آزار رسیدن به کودک می‌شود.

* **مشکلات خانوادگی:** مشاجرات والدین، اصول تربیتی نامناسب و تهدید فرزندان می‌تواند موجب آزاررسیدن به کودک شوند.

* **مشکلات رفتاری و جسمی کودکان:** کودکانی که مشکلات جدی دارند مثل بی‌قراری، پرخاشگری بیش‌فعالی، شب‌اداراری و اضطراب و غیره به دلیل مشکلاتی که برای بزرگسالان ایجاد می‌کنند، ممکن است توسط بزرگسالان مورد آزار جسمی و روانی قرار گیرند.

* **مشکلات مدرسه:** انتظارات بیش از حد از کودک، مقایسه کودک با همسالانش، ایجاد اضطراب و ترس و تبعیض موجب آزار در کودک می‌شود.

چگونه می‌توانیم از کودک آزاری پیشگیری کنیم؟

پیشگیری همیشه بهتر، آسانتر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، لذا راهکارهای زیر را مورد توجه قرار دهید.

* **دقت در ازدواج، سن و شرایط مناسب برای ازدواج می‌تواند؛ مؤثر باشد.**

* **افزایش آگاهی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری و رفتار مناسب با کودک قبل از بچه‌دارشدن، مشورت گرفتن از متخصصین روان در زمینه مشکلات و چالشهایی که کودک با آن مواجه است. باید بدانیم مشورت کردن و کمک گرفتن از مشاوران روانشناسی نشان از سطح بالای آگاهی افراد دارد نه ضعف و ناتوانی!**

* **پذیرش مسئولیت به عنوان پدر، مادر، سرپرست، معلم، در انجام وظایف خود نسبت به کودک.**

* **آشنایی با حقوق و نیازهای اساسی کودک.**

* **توجه به سلامت جسمی و روانی خود، کاهش تنشهای عصبی و مشکلات رفتاری که موجب کودک آزاری می‌شود.**

* **در انتخاب مهدکودک و کلاسهای آموزشی دقت کافی به خرج داده شود که این اماکن با مجوز معتبر فعالیت کنند.**

والدین عزیز و دوستانی که با کودکان در ارتباط هستید، باید در نظر داشته باشید که مشکلات زندگی همیشه هستند، سعی کنید خشم خود را مدیریت کرده و در مقابله با مشکلات و نحوه کنار آمدن با آن حل مسئله کنید و اگر خشم شما موجب آسیب زدن به خودتان و دیگران هست، حتما باید آنرا درمان کنید. از آنجا که دوران کودکی، دوران رشد و شکل‌گیری شخصیت است، هر نوع کودک آزاری در این سالهای حساس و مهم به رشد و سلامت کودک آسیب جدی وارد می‌کند. کودکان آزار دیده در همه جنبه‌های رشد مانند: رشد جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی با مشکلات متعددی مواجه خواهند شد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از کودکانی که در دوران کودکی



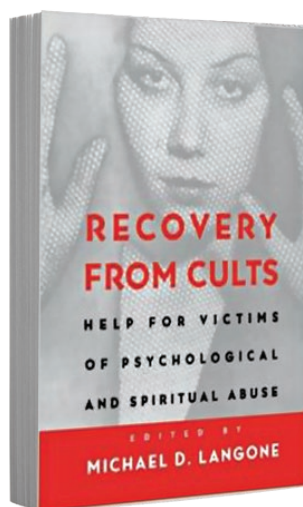
قربانی آزار و خشونت بوده‌اند، در بزرگسالی خود به آزار کودکان پرداخته‌اند و این بزرگترین زبان کودک آزاری است؛ چراکه سبب تداوم آن می‌شود.

اقدامات اولیه برای کودک آزار دیده این است که با اضطراب و آشفتگی با کودک برخورد نکنید، با او صحبت کنید و به وی آرامش دهید تا در مورد مشکلش با شما صحبت کند و احساس کند که شما قصد کمک به او را دارید تا در پناه شما احساس امنیت کند. هرگز به او سرکوفت نزنید و او را مقصر ندانید و در اسرع وقت او را به روانشناس بالینی کودک و نوجوان ارجاع دهید. کودکانی که آزرده شده‌اند باید هرچه سریعتر تحت مراقبت، درمان و پشتیبانی قرار گیرند. هرچه آسیب وارده به کودک بیشتر باشد، مدت زمان لازم برای درمان طولانی‌تر خواهد شد.

حال، آیا زمان آن فرا نرسیده است که جامعه درک صحیحی از کودک آزاری و عواقب آن داشته باشد؟ بیایید تا دنیای زیبای کودک را با نشان دادن چهره کریمه خشم آغشته به تنفر نکنیم. ایران ما نیاز به کودکانی شاد و سالم با ذهنی آزاد دارد. کودکان آینده سازان این سرزمین هستند. شانه‌های کوچک کودکانمان تاب خشونت را ندارند. آنان را دوست بداریم و حمایت کنیم. همه ما در قبال کودکان مسئول هستیم. اگر کودکی را مشاهده کردید که مورد آزار قرار گرفته است، سریعاً به مقامات مسئول یا قضایی گزارش دهید. در این شرایط با اورژانس اجتماعی به شماره ۱۲۳ (یک...دو...سه) در تهران و شهرستان‌ها تماس بگیرید.

نگاهی به کتاب رهایی از فرقه‌ها

کمک به قربانیان آسیب دیده روحی و روانی
پژوهشگر: فاطمه مهسا کارآموزبان



«مایکل لانگون» و همکارانش در کتاب رهایی از فرقه‌ها یک راهنمای عملی برای کمک به اعضای سابق فرقه‌ها و نحوه مدیریت مشکلات آنها هنگام خروج از فرقه ارائه می‌دهند. این کتاب یک مجموعه تخصصی از تجربیات شخصی افرادی است که قبلاً در فرقه تحت کنترل شدید ذهن بوده‌اند و پروسه شستشوی مغزی بر روی آنها پیاده شده است. در این کتاب بطور ویژه، در مورد آسیب‌هایی که فرقه‌ها به کودکان از نظر جسمی و روانی وارد کرده‌اند، صحبت شده است. باید بدانیم که فرقه‌ها تهدیدکننده سلامت جسمی و روانی کودکان هستند.

در فرقه‌ها زندگی دارای یک ایدئولوژی مطلق است که با نظمی خشن به افراد دیکته می‌شود. از آنجا که این آزارها پنهانی صورت می‌گیرد و سرکردگان فرقه اجازه هیچ گونه مداخله پزشکی را نمی‌دهند، بنابراین عمق آسیب بسیار شدید است. متأسفانه در برخی جوامع برای بیان موارد کودک آزاری مقاومت نشان می‌دهند؛ و این امر سوء استفاده از کودکان در فرقه‌ها را تشدید می‌کند. در این جوامع کودکان مورد غفلت مقامات قرار گرفته و از آنجا که پزشکان و درمانگران اجازه ندارند تا به مدارس مراجعه کرده و برای نجات کودک اقدام کنند، روند استثمار کودکان توسط سران بی‌رحم فرقه‌ها ادامه می‌یابد. نبود قانون مناسب و محدودکننده فعالیت فرقه‌ها، نیز به تشدید روند استثمار اعضای فرقه؛ بویژه کودکان دامن می‌زند.

پس جای تعجب نیست که آمار دقیقی از کودک آزاری در فرقه‌ها در دست نیست و نمی‌توان به طور دقیق محدوده مشکل را اندازه گیری کرد. شواهد ارائه شده از سوء استفاده از کودکان تنها بیانگر تعداد انگشت شماری از موارد بسیار است. اکثر این اطلاعات از پرونده‌های شخصی موجود در دادگاه بدست آمده‌اند.

در راه روشن‌گری آسیب فرقه‌ها، روزنامه‌ها می‌توانند به خوبی اطلاع رسانی کرده و کمک‌کننده باشند. آنها می‌توانند محرک دولت برای حفاظت از این کودکان باشند. علاوه بر این، ارتباط بین فرقه و کودک آزاری (یکی از جنبه‌های معمول آن در فرقه غفلت از کودک است) همیشه مشخص نیست. با این وجود گاهی شواهد به حدی قانع‌کننده هستند که دادگاه حکم به مداخله پزشکی می‌دهد.

شایان ذکر است که نویسنده این کتاب برای اولین بار در خصوص ماهیت کودک آزار

فرقه‌ها هشدار داده است و تلاش نموده تا انواع آسیب‌های مرتبط با آن را توصیف کند و در نهایت راهکارهایی برای درمان این کودکان و بازگشت آنان به زندگی سالم ارائه دهد. برای بررسی ارتباط کودک آزاری با فرقه‌ها دلائلی مطرح شده است که اول از همه، وجود فردی خودکامه به عنوان «سرکرده» در یک فرقه می‌باشد. اعتقادات این فرد (یا افراد به عنوان سرکردگان فرقه) پرورش و تعلیم کودکان فرقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بطور طبیعی در سیستم یک خانواده سالم، این والدین هستند که کودکان خود را آموزش می‌دهند و برای فعالیتهای آنان برنامه ریزی می‌کنند و این در حالی است که در فرقه‌ها این «سرکرده» است که نحوه آموزش و فعالیت کودک را دیکته می‌کند و از آنجا که متأسفانه والدین کودک خود نیز مطیع «سرکرده» هستند، لذا به خاطر تعهد و ترسی که از او دارند؛ به خواسته‌های وی پاسخ مثبت می‌دهند و در صورت مخالفت کودک مجازات سنگینی برای وی در نظر گرفته می‌شود و حتی گاهی این تنبیه‌ها آنقدر شدید هستند که کودک در اثر آسیب‌های فیزیکی جان خود را از دست می‌دهد. نتایج تحقیقاتی که توسط مؤلف کتاب و همکارانش در میان افراد نجات داده شده از فرقه، انجام شده است، به شرح زیر است:

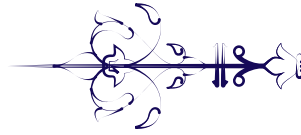
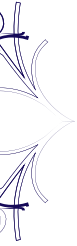
- * ۲۷ درصد از افراد گفته‌اند که، در فرقه‌های آنان کودکان در برابر بیماری‌های شایع دوران کودکی واکسینه نشده بودند.
- * ۲۳ درصد گفته‌اند که، کودکان هشت ساعت خواب لازم را در شبانه روز نداشته‌اند.
- * ۶۰ درصد گفته‌اند که، فرقه آنها اجازه تنبیه بدنی کودکان را می‌داده است.
- * ۱۳ درصد گفته‌اند که، حین آموزش فرقه‌ای کودکان، آنچنان کودک تنبیه می‌شده است که آسیب‌های جدی جسمی دیده است که منجر به ناتوانی‌های جسمی و نقص عضو در کودک شده است.
- * ۱۳ درصد گفته‌اند، شدت تنبیه کودکان در فرقه به حدی شدید است؛ که اغلب کودکان نیاز به پزشک پیدا می‌کنند.
- * ۶۱ درصد گفته‌اند که، فرقه‌ها خانواده‌ها را تشویق می‌کنند تا در مسئولیت‌های زندگی با هم شریک شوند.
- * ۳۷ درصد گفته‌اند که، کودکان در صورت بیماری به پزشک ارجاع داده می‌شدند.

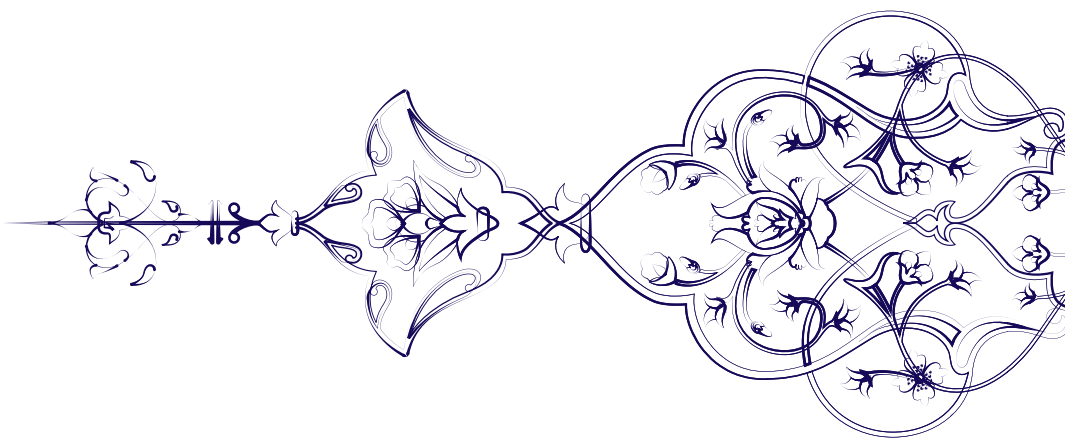
با وجود شرایط بحرانی کودکان فرقه، متأسفانه هیچ مطالعه سیستماتیکی در این زمینه صورت نگرفته است و صرفاً نتایج کارهای بالینی گزارش شده است. ما می‌دانیم که کودکان نیاز به نجات از فرقه و درمان پس از رهایی دارند و باید در نظر داشته باشیم که رویکرد ما در مورد کودکان نسبت به افراد بزرگسال باید بسیار ظریف و محتاطانه باشد. ترک فرقه و گذراندن دوران نقاهت، نیازمند کمک از سوی درمانگران متخصص، دلسوز و بشر دوست می‌باشد. اینجا حمایت دولت بسیار کمک‌کننده است. با توجه به اینکه این کتاب هنوز به فارسی ترجمه نشده است، لذا ترجمه آنرا به صاحبان قلم و دوستداران بشر توصیه می‌کنیم.

ضرورت خودسازی

ای مردم! خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد، و خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده خود پردازد، و غذای حلال خود را بخورد، و به اطاعت پروردگار مشغول باشد، و بر خطاهای خویش بگرید، همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند.

از فرمایشات حضرت علی (ع)، نهج البلاغه.





ایران! وطنم، یک لحظه جان من بی تو مباد. بیست و یکی نان در سفره

خاطره‌ای از بانوی مجاهد «صدیقه انجم شعاع»
از دوران جنگ تحمیلی



خانم «صدیقه انجم شعاع» یکی از هزاران شیر زن دلاور ایرانی است، که در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی به شهرهای جنگی رفته تا همسر رزمنده‌اش را در راه مبارزه و دفاع از دین و سرزمینش پشتیبانی و حمایت کند، نام این زنان وارسته در تاریخ ایران جاودان خواهد ماند.

باز وقت رفتن بود. بانگ جرس کاروانیان، عاشقان دیار شهادت را به نوای دلنشین «هر که دارد هوس کرب و بلا بسم ا...» فرا می‌خواند. مرد خانه ما مسافر همیشگی این قافله بود. من هر بار با قطره اشکی او را بدرقه می‌کردم. لبی به دعا می‌گشودم و گوشی به سفارشات او که ما را به خدا می‌سپرد. دست‌های کوچک دو فرزندمان در فضا می‌چرخید و لبخند شادی بخش آنها، توشه سفری بود که پدر برای روزهای دوری از ما و دلتنگی هایش، با خود به سفر می‌برد. تکیه گاه محکم خانه می‌رفت و ما به امید بازگشت دوباره او، سایه ی سبز صبر را به حمایت از خویش فرا می‌خواندیم.

یکی از روزهای آذر ماه سال ۱۳۶۵ بود. شهر ما از میهمان ناخوانده سرمای زودرس، به پوشش سنگین برف تن داده بود. از ده روز پیش از آن، خورشید در پشت ابرها خیمه زده بود و ما را که کار خیلی مهمی در بیرون نداشتیم، خانه نشین کرده بود. آن روز صبح سرما به اتاق ما هم سرک می‌کشید. بخاری داشت کم کم از گرمی

می‌افتاد. نفتش به آخر رسیده بود و دیگر نفتی در خانه نداشتیم. پدرم روز پیش گالن‌های نفت را برای تهیه نفت برده بود و تا آن ساعت هنوز نیامده بود. حتماً بارش برف شب گذشته که هنوز هم ادامه داشت، او را هم زمینگیر کرده بود.

پرده پشت پنجره را کنار زدم. بیرون را نگاه کردم. دانه‌های برف تند تند از سینه آسمان جدا می‌شدند و بر روی زمین می‌نشستند. سوز سردی از منفذهای پنجره به داخل اتاق خزید و سردم شد. بخاری دیگر خاموش شده بود. دستی به بدنه آن زدم. سرد سرد بود. متوجه بچه‌ها شدم. پسر هشت ماهه‌ام هنوز خواب بود. اما دختر سه ساله‌ام از سرما به گوشه‌های خزیده بود و زانوانش را در بغل جمع کرده بود. خودم هم از شدت سرما می‌لرزیدم. داخل اتاق مثل داخل یخچال شده بود.

چاره‌ای نبود می‌بایست خودمان را گرم کنیم. دو تا پتو روی پسر کشیدم و دخترم را هم کت و کلاه پوشاندم و به انتظار نشستیم تا نفت برسد.

خانه‌مان در منطقه‌ای دور از مرکز شهر احداث شده بود. به علت ساخت و سازهای جدید، کمتر مغازه‌ای برای رفع احتیاجات روزمره در دسترس بود و ما احتیاجاتمان را از مرکز شهر تهیه می‌کردیم. نفت کوپنی که دیگر تکلیفش معلوم بود. سرما و بارش برف و باران و نبود مرد خانه مشکلاتمان را چند برابر کرده بود. پیش خودم فکر می‌کردم: «لان همه به کار و زندگی خودشان مشغولند. حتی همسایه‌ای هم از حال ما خبر ندارد. چه برسد به فامیل؛ با وجود کیلومترها فاصله که با آنها داریم!» بیشتر سردم شد. دخترم در کت و کلاه به خواب رفته بود. یادم آمد که صبحانه نخورده‌ام. ساعت ۸ بود. هوس یک آش داغ کردم. هنوز از جایم بلند نشده بودم که دخترم چشم‌هایش را باز کرد و صدایم زد: «مامان من گشمنه!»

«چشم. اگر چند دقیقه صبر کنی خیلی زود به آش خوشمزه درست می‌کنم.»

صدایش در آمد: «من آش نمی‌خوام ... نون و پنیر می‌خوام.»

برای آوردن نان به آشپزخانه رفتم. سفره را که باز کردم، ای‌وای! تازه یادم آمد که نان هم نداریم. تهیه نان با برادرم بود که هر شب برای اینکه ما تنها نباشیم، پیش ما می‌آمد. صدای دخترم به گریه بلند شد: «من گشمنه، نون می‌خوام، سردم میشه!»

برای رفتن به نانوايي دیر بود. تازه نزدیکترین نانوايي با خانه ما دو کیلومتر فاصله داشت. کم کم داشتیم کنترل اعصابم را از دست می‌دادم. به بارش برف چشم دوختم، دانه های برف برایم شکلک در می‌آوردند. یک لحظه از آن‌ها بدم آمد، کار را برای همه سخت کرده بودند. بغض راه گلویم را گرفته بود ... اگر برف نمی‌بارید، اگر نانوايي نزدیک خانه‌مان بود، اگر برادرم یادش نرفته بود که نان بگیرد، اگر تلفن داشتیم، اگر نفتمان تمام نشده بود، اگر ... با صدای بلند زدم زیر گریه. بی‌اختیار همسرم را صدا زدم: «آقا ... آقا ...»

دستی به شانهم خورد.

«مامان، بابا که نیست داری صدایش می‌زنی!»

دخترم بود. صدایش از سرما میلرزید. او را در آغوش گرفتم. لپهای یخش را بوسیدم. گفتم: «آخه، تو گشنه‌ای و نون نداریم. سرما هم که هست.»

«نه من زیاد هم گشنه نیستم، صبر می‌کنم تا آش درست کنی؟»

خوشحال شدم. برخاستم و توان گرفتم. دخترم هم معنی استقامت را می‌فهمید. خیلی زود با موادی که در خانه داشتیم، آش درست کردم و رفع گرسنگی‌مان شد.

ظهر گذشته بود. زنگ در خانه به صدا در آمد. پشت در پدرم ایستاده بود، با گالنی نفت در یک دست و بقچه‌ای در دست دیگر! صورتش از سرما سرخ شده بود. پدر بقچه را به دست من داد و گفت: «نون گرفتم. ده تا. اینجوری چند روزی خیالتون از نون گرفتن راحت!» بعد گالنی نفت را گذاشت تو راهرو و داخل اتاق شد. مستقیم رفت کنار بخاری تا خودش را گرم کند. من که از صبح به بی‌بخاری «بخاری» عادت کرده بودم، خندیدم. پدر با اینکه حساسی ناراحت شده بود، اما معطل نکرد. رفت نفت آورد و ریخت داخل بخاری. دوباره شعله‌های گرمی بخش آتش فضای خانه را گرم کرد. صبر و استقامت معنا می‌گرفت و حوصله‌مان از تکرار زندگی سر نمی‌رفت.

چیزی به غروب نمانده بود. غروب روزهای تنهایی، دلگیر و غم‌انگیز است. دلم از سایه ابرهای دلتنگی انباشته شده بود. گاهی وقتها در خلوت خودم، این ابرها می‌باریدند و اشک بر گونه‌هایم جاری می‌شد. اگر نبودند این اشکها - اشکهایی که جز خدا آنها را ندید - بی‌گمان دلم ترک برمی‌داشت و بی‌صدا می‌شکست.

دوباره صدای زنگ در، مرا از افکارم بیرون آورد و به حیاط کشاند. این بار خواهر همسرم بود. آمده بود که به ما سر بزند. او را به داخل خانه تعارف کردم. با هم وارد اتاق شدیم. او از زیر چادرش زنبیلی را بیرون آورد و داد دست من و گفت: «نونه. ده تا گرفتم تا چند روزی راحت باشین.» تشکر کردم و نان‌ها را گرفتم و گذاشتم تو سفره. عجب روز پر رزقی!

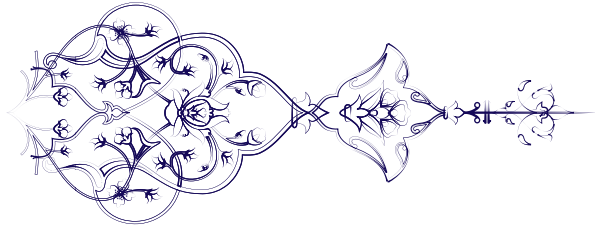
قصه نان ما تمامی نداشت. تازه کار پخت شام را تمام کرده بودم. داشتم با بچه‌ها بازی می‌کردم که برادرم از راه رسید. یک نان سنگک در دست داشت. با دیدن نان بی‌اختیار زدم زیر خنده. برادرم به سر و وضع خودش نگاه کرد. «چی به چی می‌خندی؟»

اشاره به نان کردم. نان را به طرفم گرفت. «نون سنگکه، از کی نون سنگک ندیدی؟» و ادامه داد: «صبح تو سفره نون نبود، حالا که می‌اومدم، سر راه یه نون گرفتم. شلوغ بود و گرنه بیشتر می‌گرفتم...»

نان را گرفتم و گفتم: «دستت درد نکنه!» بعد رفتم سفره را آوردم و وسط اتاق پهن کردم. حالا بیست و یکی نان در سفره داشتیم.

ره آوردانفاق

آن کس که با دست کوتاه ببخشد،
از دستی بلند پاداش گیرد.
از فرمایشات حضرت علی (ع)،
نهج البلاغه.



سبک‌های نقاشی

مژگان برکوکرام، کارشناس هنری
دوره رنسانس (سنت بزرگ)

هنرمندان اروپایی برای جان بخشیدن به آثارشان که می‌توانست طبیعت، چشم انداز شخص و یا اشیاء باشد؛ باید از یکسری قوانین پیروی می‌کردند که به آن «سنت بزرگ» می‌گفتند.

سنت بزرگ در عصر رنسانس قرن چهاردهم آغاز گردید و چون در آن زمان تغییری در نگرش کاتولیک ایجاد شده بود، در قرن شانزدهم و هفدهم دستخوش تغییر شد و در آغاز قرن بیستم از بین رفت.

«فلورانس» مهد رنسانس است و بعد از آن «ونیز» در «رم» ادامه‌دهنده آن بودند و از قرن چهاردهم شروع و تا پایان قرن ۱۶ ادامه پیدا کرد. اما ما امروزه می‌دانیم که رنسانس ابتدا از «ایتالیا» آغاز گردید و سپس در مناطق دیگر اروپا گسترش یافت. به طور کلی می‌توان گفت رنسانس، یعنی؛ آگاهی انسان اروپایی راجع به خودش که با تفکرات شاعران و متفکرانی مانند: «پتراک» مطرح شد و کاملاً از قرون وسطی مجزا گردید.

«جتو» از نخستین نقاشان سنت‌گزار فلورانس در اروپا به شمار می‌رود که هنری کاملاً مجزا از قرون وسطایی ابلاغ نمود، اما باید اضافه کرد که گاهی هنر رنسانس از کلاسیک قرون وسطایی الهام می‌گیرد





در نوشته‌های نظری رسانس مفهوم «زیبایی» بر طبق اصول عقلی منطقی یونانی افلاطونی تبیین می‌شود و ساختار اثر هنری بگونه‌ای است که امکان ندارد از آن چیزی کم و یا به آن چیزی بیافزاییم. در هنر رنسانس نیز این مفهوم صدق می‌کند، زیرا هنرمند می‌کوشد به سبکی در کمال مطلوب دست یابد که از حد اعلی نظم و هماهنگی و استحکام برخوردار باشد. فضا در «پرسپکتیو» عبارت است از: «بازنمایی واقعیت، و به همان شکل نیز پیکر انسان که به طور آرمانی این فضا را اشغال می‌کند؛ بر مجموع روابط اندازه‌ها شکل می‌گیرد.»

ولی کاملاً متمایز و به شیوه‌ای جدید که هنرمند از طبیعت الهام می‌گیرد. «راجر فرای» منتقد هنری و نقاش انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان «تکات برجسته دانش نوین» هنر اروپایی را چنین توصیف می‌کند: «هنرمند ملزم بود که تصاویر خود را چنان رسم کند که نه تنها از طریق نظم خود بر بیننده اثر گذارد، بلکه باید با صورت ظاهری دنیای واقعی یکسان باشد.»

نقاشی که می‌خواهد جهان سه بعدی را بر روی سطحی دو بعدی ترسیم کند، باید راه‌حلی بیابد که بر اساس فائده ریاضی باشد. نقاش یک نقطه واحد را انتخاب می‌کرد و تمامی خطوط عمود بر سطح را به یک نقطه ثابت در افق می‌تابانید.

این روش ریاضی - بصری را که به آن «پرسپکتیو تک نقطه ای» می‌گویند، ابتدا «فیلیپو برونلسکی» معمار و مجسمه ساز فلورانس ابداع کرد.

از این روش اولین بار «مازاتچو» روی دیوار نمازخانه کلیسای «سانتا ماریا دل کارضیه» استفاده کرد، که زندگی پطرس قدیس را به صورت داستان نشان داده است.

و بعد از آن «پیرودلا فرانچسکا» برای بازگو کردن فضاها و نورها از تن‌های رنگ استفاده کرد و آن را ابداع نمود.

و این لئوناردو داوینچی بود که ابتدا توانست از فضا سازی و نور و رنگ در منظره سازی استفاده کند.



احترام به دیگران

انسان موجودی است که از هر جهت قابل احترام می‌باشد، زیرا او صاحب کرامت و شرافت است؛ تا جایی که اشرف مخلوقات لقب گرفت. این عظمت و بزرگی به اندازه ای است که جبرئیل امین در شب معراج، هنگام نماز به نبی اکرم (ص) اقتدا می‌کند و او را بر خود مقدم می‌دارد. احترام به انسان در دو بُعد اساسی قابل بررسی است، که یکی خودداری از هتک حرمت او و دیگری تکریم و احترام گذاشتن به وی می‌باشد.

اقسام احترام

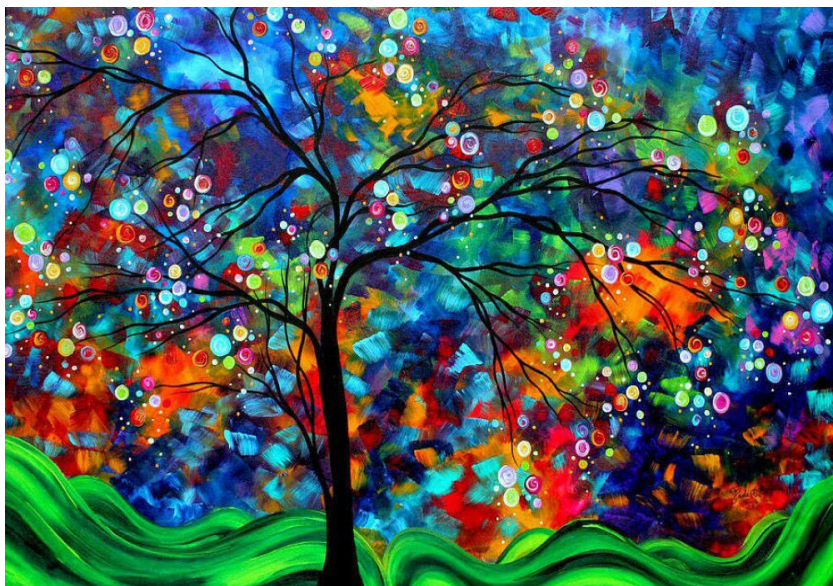
در اسلام، برای حفظ حرمت انسان و زندگی اجتماعی او، قوانین ویژه ای وضع گردیده، به گونه ای که اگر کسی جان، مال و ناموس دیگران را مورد تجاوز قرار دهد و یا آبروی آنان را خدشه دار سازد، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و در مواردی حدود الهی در مورد او به اجرا درمی‌آید. حضرت علی (ع) به نقل از رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «کسی از شما که بخواهد خدای سبحان را ملاقات کند، باید دستش از خون مسلمانان و دارایی آنان پاک و زبانش از هتک آبروی آنان سالم باشد.» انواع احترام عبارتند از:

احترام به جان

در اسلام، جسم انسان از همان ابتدای آفرینش که نطفه ای بیش نیست، مورد حمایت قرار می‌گیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «هر کس انسان بی‌گناهی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»

احترام به مال

پیشوایان دینی در کنار سفارش به حفظ جان دیگران، احترام به مال آنان را نیز متذکر شده‌اند. چنان که رسول گرامی اسلام در اجتماع بزرگ عید قربان فرموده است: «همانا حرمت اموال و خونهای شما بر یکدیگر همانند حرمت این روز، در این ماه و این سرزمین است تا پروردگارتان را ملاقات کنید و شما را از کردارتان پرس و جو کنند.» احترام به اموال مردم شامل: «امانتداری»، «تصرف مجاز و با رضایت



خاطر صاحب مال» و «پرداخت حقوق مالی و بدهی مردم» می‌باشد. این حریم‌ها برای آن است که اموال تباه نگردد، انسانها کشته نشوند، کینه تیزی و نزاع در جامعه رواج پیدا نکند، کسب و کار ترک نگردد.

احترام به ناموس

دین مبین اسلام احترام به ناموس دیگران را یکی از امور بسیارمهم می‌داند، از این رو با وضع قوانینی همانند رعایت پوشش مناسب برای زنان و بازداشتن مردان از چشم چرانی حریمی را برای حفظ حرمت تعیین نموده است. رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به اهل و مال مسلمانی خیانت کند.»

حرمت آبرو

حیثیت و آبرو محوری است که بیشتر حول روابط انسان با مردم آن می‌چرخد، بدین جهت دیگران نسبت به آبروی مؤمن دو وظیفه مهم دارند: یکی حفظ آبروی او و دیگری دفاع از آن.

۱. حفظ آبرو

مهمترین راه حفظ آبروی افراد پوشاندن کاستیها و زشتیهای آنهاست. از این رو، خدای بزرگ با اینکه از عیان و نهان بشر آگاه است، عیوب آنها را برملا نمی‌سازد. پس برای انسانی که خود از کاستی و عیب خالی نیست؛ چگونه رواست که به

جستجوی عیوب و نواقص دیگران بپردازد و یا با سخن چینی و غیبت بدنبال بد نام کردن آنان باشد؟

باید توجه داشته باشیم که مسخره کردن افراد، برجسته نمودن نقصهای ظاهری آنها، سرزنش وی به خاطر خطاهایی که خواسته یا ناخواسته مرتکب شده است، تندی و خشونت در برابر خواهش وی و همچنین نگاه حقارت آمیز به او، بویژه اگر در جمع دیگران باشد، هتک آبروی او محسوب می‌شود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «آنکه علیه مؤمنی به قصد آبروریزی سخنی گوید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خود خارج و به طرف ولایت شیطان رها می‌کند؛ ولی شیطان نیز او را نمی‌پذیرد.»

۲. دفاع از آبرو

هر مسلمانی وظیفه دارد به اندازه توان خویش، نگذارد که دیگران آبروی انسان دیگری را خدشه دار سازند. در این باره نوشته‌اند که مردی در حضور رسول اکرم (ص) از آبروی کسی سخن به میان آورد و در همان جا فردی دیگر در مقام دفاع از آن برآمد، حضرت فرمود: «کسی که جلوی آبروریزی برادر مؤمنش را بگیرد، از آتش دوزخ در امان است.»

روشهای احترام

شایسته است که یک مسلمان در مقام گفتار با دیگران سخنان نیک و سنجیده بگوید و با زبانی خوش آنان را مورد خطاب قرار دهد، قرآن کریم می‌فرماید: «با مردم به خوبی سخن گویند». در اینجا قرآن کریم درباره احترام به پدر و مادر می‌فرماید: «با گفتاری لطیف و بزرگووارانه با آنها سخن بگو!» و در مورد برخورد با نیازمندان آمده است که اگر نمی‌توانی نیازشان را برطرف نمایی با آنان سخن نیک توأم با احترام داشته باش. امام سجاد(ع) درباره احترام در گفتار نسبت به معلم می‌فرماید: «صدایت را از صدای او بلندتر نکن و هرگاه کسی از او چیزی بپرسد تو در پاسخ پیشدستی نکن و در محضرش با کسی سخن نگو.»

سیره عملی حضرت محمد (ص) روشهای احترام را به ما می‌آموزد؛ هنگامی که برادران دینی بر آن بزرگووار وارد می‌شدند، به احترامشان از جا بر می‌خاست، برای آنان جا باز می‌کرد و زیر انداز پهن می‌نمود، حتی گاهی عباي خود را از دوش کشیده برای دیگران می‌انداخت، برای تکیه دادنشان بالش فراهم می‌ساخت و اگر برادر دینی‌اش از راه دور می‌آمد، چند قدمی به استقبالش رفته و او را به آغوش مهر می‌کشید و پیشانی‌اش را می‌بوسید؛ پس چه زیباست که یکدیگر را دوست بداریم و حرمت هم را نگاه داریم.

برگرفته از کتاب: آداب معاشرت،

نویسندگان: سید محمد مقدس نیا و محمد مهدی محمدی.

روزنامه حبل المتین

حبل المتین به معنی، رشته و ریسمان استوار که اشاره به سوره آل عمران (آیه ۱۰۳) دارد، نام نشریه‌ای بود که در دوران قبل و بعد از جنبش مشروطه در «کلکته» و «تهران» منتشر می‌گردید. مقالات این نشریه به‌مراه ۵ نشریه دیگر دوران مشروطیت (ندای وطن، صبح صادق، مجلس، مساوات، صوراسرافیل) نقش مهمی در بیداری افکار مردم و ترویج اندیشه آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی بعهدہ داشتند. مدیریت آن بعهدہ «سید جلال‌الدین کاشانی»، متخلص به ادیب و ملقب به «مؤیدالاسلام» بود.

شروع چاپ روزنامه در تهران در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ بود. درحقیقت روزنامه تهران شعبه دیگر روزنامه «کلکته» بود و مدیریت اصلی آن به عهده «سید جلال‌الدین کاشانی» بود، ولی برادرش «سید حسن» آنرا اداره و چاپ می‌کرد. روزنامه در تهران بصورت یومیه (روزانه) چاپ می‌شد و به واسطه مقالات پربار و آزادی‌خواهانه و در دسترس بودن و استفاده از کاغذ خوب و حروف مناسب مورد استقبال عموم بود. «سید حسن» بعنوان نایب مدیر و «سید یحیی کاشانی» دبیراداره ونویسنده آن بود. روزنامه ابتدا در ۶ صفحه و پس از چندی در ۸ صفحه انتشار می‌یافت. فزونی روزنامه در آن دوره و رو آوردن مردم به خواندن آنها نشان از «بیداری مردم ایران» داشت. این هفته‌نامه از همه روزنامه‌های آن زمان بزرگتر و به نام‌تر می‌بود. یکی از چیزهایی که مایه رواج آن گردید، این بود که «حاجی زین‌العابدین

[صفحه ۱]

سال نول

مدیرکل

جلال‌الدین‌الحسینی مؤیدالاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (حبل المتین)

عنوان مراسلات
مطهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر افاضی شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

چهارم روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عامه

با امضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

شماره ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۵ خرداد ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۲۵



ترتیب مشروطیت

گو یا اول دولتی که در عالم لواء مشروطه بلند کرد و اساس سلطنت را براین پایه محکم نهاد دولت انگلیس است درزبانان پانصد سال قبل و تا کنون درکمیلت و استحکام آن متصل جد و حده منبایه و اغلب سیاسیون دنیا که درعلم پلنیک رنجا برده و کتابها تصنیف نموده اند معتقد اند که بهترین ترتیبات حکمرانی و سلطنت همان وضع سلطنت انگلستان است و این جهت است که دراین قرن گذشته از تمام دول کمتر مورد انقلاب و شورش گردیده و از همه دول اروپا زیاد تر ترقی نموده است پس حالا که مائز سری در سرها داخل کرده خوددرا داخل درحوزه دول مشروطه صاحب کنستی توسیون نموده ایم خوب است شیوه شیوای آنها را حتی الاکان از دست ندهیم و بهمان ترتیب که بعد از پانصد سال زحمت و حد هزار تجربه و فکر قبول کرده اند و در پناه آن ترتیب ترتیبات محیر العقول را نایل شده اند مائز رفتار کنیم مسلم است که هر گاه ما بجواییم تمام مواد مشروطه را فرداً فرد خودمان تجربه کرده و باجناب خود مقرر داریم افلا تا دیوسال دیگر وقت لازم داریم و گرفتار همان اشکالاتی باید بشویم که دول اروپا درقرنهای پیشی مبتلا شده اند ورواضح است که امروزه ما دیوسال خوی هزاران خطرات غلظیه است که در نظر دانشمندان پوشیده و پنهان نیست بعلاوه ترتیبات آنها چوری است که هر کس نظر بکند بیا نیک نامی مصالح کار را ملتفت میشود تقلید صرف

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت
طهران
سایر
روسیه
سایر
در
سایر

و تمسید محض نیست
و این را اول کتسار گذار
آنها را زیر نظر مراقبت
ملفت شدید فوراً قبول
حالا من میخواهم
پارلمنت انگلیس را در
محترم و کلا ع محترم
حالیه را حسنی کنم
و رع نمایند
وضع مجلس شور
که هر به دو سه روز
شمرده باشدت هرچه
مستول را از پیشگاه
آنگه دیگری در آنکار
که با وزیر تازه نیز
حواش او را فراهم
با یادعایه است و عزرائ
در آمد نتیجه اقدام
از عهده مسئولیت و
ندارد وزیر مقصر
بر فرض که کار
وارد آمد راه فرار
فردا فرد میتواند بگ
وامضاء تکرم
مقبول نمود و مترو
ورفه سفید داد
فرضا هم معلوم شد

تقیوف» پول بسیاری می‌فرستاد تا روزنامه به علمای نجف و همچنین جاهای بی‌پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علماء پدید آمد و شادروان «شیخ حسن ممقانی»، که این زمان با «فاضل شریبانی»، دو تن از مراجع تقلید بودند؛ به ستایش «حبل المتین» برخاستند و مردم را به خواندن آن تشویق و ترغیب کردند.

این روزنامه گفتارها درباره گرفتاری‌های سیاسی ایران می‌نوشت، و دلسوزی‌ها و راهنمایی‌های بسیار می‌کرد، و در پیش آمد وام از روس‌ها گفتارهای تندی به چاپ رسانید که به همین دلیل چهار سال از آمدن آن به ایران جلوگیری شد. با توجه به اینکه این روزنامه بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه (یا مشروعه) نمود، لذا مردم دلبستگی بسیار به این روزنامه پیدا کردند و نویسنده آن «سیدجلال‌الدین کاشانی» به نیکی شناخته شده بود.

بعد از بمباران مجلس توسط «محمدعلی شاه» در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، «سید حسن کاشانی» از ترس جان به رشت مهاجرت نمود و روزنامه را تا زمان پیروزی مشروطه خواهان و فتح تهران (۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷) در رشت منتشر می‌کرد و پس از فتح تهران مجدداً برگشته و انتشار آن را در تهران از سر گرفت. روزنامه در طول حیات خود دو بار توقیف شد و دوباره فعالیت خود را از سر گرفت. انتشار این روزنامه در ماه رجب ۱۳۲۷ متوقف گردید.

برخی از مورخان چون «احمد کسروی» بر این باورند که «سید حسن کاشانی» هر چند به نیکی شناخته شده بود، اما در روزنامه‌اش چاپلوسی‌های فراوان یافت می‌شود. کسروی می‌گوید: «هر کسی به سر کاری آمده، هنوز بکار برنخاسته و آزموده نگردیده، به شیوه شاعران از وی ستایش می‌کرده است. چون «عین الدوله» وزیر اعظم گردید، «حبل‌المتین» را جز «عین الدوله» نتوان خواند.»

اما نکته‌ای که مطرح می‌باشد، این است که روزنامه‌های آن دوره برای دوام خود گرفتار نوعی وارونه نویسی بودند، بطوری که در مورد همین «حبل‌المتین» می‌توان گفت که در یک شماره به ناله و فریاد از گرفتاری‌های مردم ایران و ستمگری حکمرانان و ویرانی و نابسامانی کشور می‌پرداخته و در شماره‌ای دیگر چاپلوسی حکام را می‌کرده است. شاید بتوان گفت که روزنامه‌های آن زمان «نیک» و «بد» را با هم داشته‌اند و البته می‌توان یک سودمندی برای آنها تعریف کرد، که همانا انگیزه حرکت توده‌های مردم بود؛ مطالب «نیک» به مردم راهنمایی‌های سودمندی ارائه می‌دادند و مطالب «بد» نیز این سود را می‌داشته‌اند که از کشورهای اروپا، و از پیشرفت و دانش‌ها و اختراعات سخن می‌گفتند و مردم را از پیش آمده‌های بزرگ جهان آگاه می‌گردانیدند و همین مایه بیداری و تکان مردم آن روزگاران شد.



در مورد خواص دارویی گیاه آلاله چه می‌دانید؟

«آلاله» گیاهی یک ساله، به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتیمتر و دارای ساقه منشعب و توخالی است. برگ‌های آن دارای پهنکی با

بریدگی‌های عمیق و گل‌هایش به رنگ زرد روشن است. در ایران این گیاه را در مناطق پر آب مثل: ناحیه شمالی و اطراف تهران می‌توان یافت. تاریخچه مداوای بیماران با این گیاه به قرون گذشته بر می‌گردد. در سال ۱۷۹۸ آقای «گیلبرت» و همکارانش مصرف شیوه رقیق شده گیاه را در درمان «تنگی نفس»، «سل»، «زردی»، «زخم‌های مثانه» توصیه کردند. همچنین در نواحی مالاریا خیز برای رفع تب‌های نوبه نیز به کار میرفته است. غده گیاه اثر سمی دارد و له شده آن را اگر به پوست بمالند، طی نیم ساعت ایجاد حالت سوزش و برجستگی‌های تاول مانند می‌کند. در برخی کشورها مثل آلمان از جوشاندن گیاه محلولی برای رفع تبخال به دست می‌آورند. در ایتالیا هم برای رفع سیاتیک مزمن (به طور موضعی) استفاده می‌شده است. این نوع مداواها تنها در زمان قدیم و بین مردم رایج بوده است. امروزه به دلیل اثبات اثرات سمی گیاه استفاده از آن به طرز سنتی به کلی ترک شده است.

از ترکیبات مهم گیاه آلاله می‌توان به «گلیکوزید رانونکولین» اشاره کرد. ترکیبات موجود موجب ایجاد علائم سمیت التهابی میشوند، همچنین گفته می‌شود که مصرف این گیاه موجب ایجاد علائم خواب آلودگی و خستگی در فرد می‌شود. برای مصرف گیاه «آلاله» باید توجه داشت که این گیاه تقریباً سمی است و در مصرف خوراکی آن بایستی احتیاط کرد. این گیاه به شکل «ضماد» و «دمکرده» مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفته میشود که سمیت گیاه خشک شده بسیار کمتر از گیاه تازه است. در خانم‌های حامله به طور قطع منع مصرف دارد، همچنین مصرف آلاله در دوران شیردهی نیز ممنوع میباشد. نوشیدن دم‌کرده آلاله و یا چای آلاله خوش بو و خوش طعم بوده و حرارت بدن را بالا می‌برد و تعرق بدن را زیاد می‌کند و بدین وسیله باعث خروج سموم و بعضی از مواد زائد بدن به وسیله عرق از طریق پوست می‌گردد. نوشیدن عرق و یا دم‌کرده آلاله گرم کننده بدن و مفتوح و گشاینده مجاری کبد، کلیه و مثانه می‌باشد، لذا مصرف دمنوش توصیه می‌شود. شایان ذکر است که استفاده از داروهای استاندارد گیاهی که در داروخانه‌ها موجود می‌باشند، جهت درمان ارجحیت دارند.

برگرفته از کتاب داروخانه گیاهی، فاطمه مهسا کارآموزیان

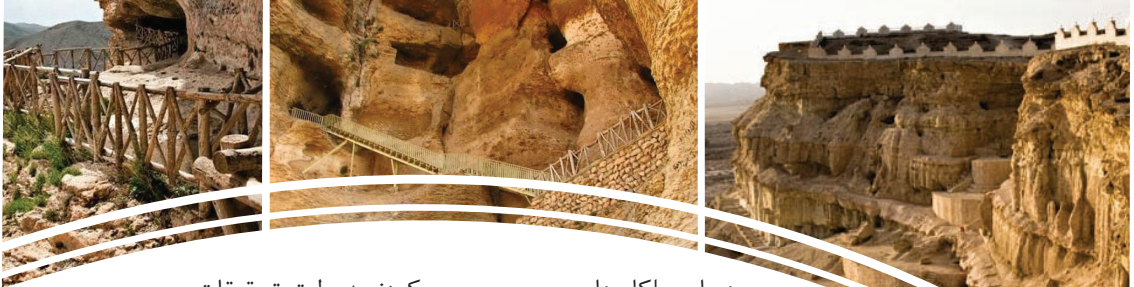
شگفتی‌های ایران

نویسنده: سیده انسیه سعادت

ایران به دلیل آب و هوای متفاوت و مراکز دیدنی بی‌شمار، بیشترین امکان جذب مسافران ایرانی و خارجی را داراست. از مکان‌های تاریخی که بگذریم، طبیعت ایران بسیار دیدنی است؛ از کوه‌ها، آبشارها و غارها گرفته تا کویر و جنگل و دشت‌های آن و با توضیح بیشتر در خصوص این مکان‌های دیدنی و طبیعت زیبای ایران علاوه بر جذب و بازدید گردشگران می‌توان از کسب اطلاعات در باره این مکان‌ها، لذت برد. با توجه به اینکه شگفتی‌های سرزمین پهناور ایران خیلی زیاد هستند، این بار غار «کرفتو» را که در کردستان قرار دارد، خدمت شما معرفی می‌کنم.

غار کرفتو

این غار حدود ۷۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان «سقز» و حدود ۷۰ کیلومتری شمال غرب شهر دیوان دره قرار دارد. نزدیک‌ترین روستا در شمال غربی غار به فاصله ۳ کیلومتری به نام «میرسید» یا «میرسعید» است و اصلی‌ترین راه دسترسی به غار، جاده «تکاب» است. این غار در شمال دره‌هایی عمیق قرار گرفته و از نوع غارهای صخره‌ای، آهکی و دست‌کند است. آثار متعددی از جمله دخمه‌ها، حفره‌ها و پناه‌گاه‌هایی در اطراف آن دیده می‌شود. اگر چه ۵۰۰ کیلومتر دورتر از این غار، منطقه بادگیر است و در زمستان از برف پوشیده می‌شود، ولی این غار نه شرایط بادگیری دارد و نه هنگام زمستان در دامنه‌هایش برف می‌نشیند و هنگام زمستان هم داخل آن گرم و در تابستان به خاطر کوران باد، خنک است. در ضمن دو چشمه آب هم پایین غار وجود دارد که مردم از سالیان قبل از آن استفاده می‌کردند. به گفته محققان نیز دهانه فعلی غار از سر تپه ۲۰ الی ۲۵ متر محاسبه شده است. این را هم باید متذکر شد که در حال حاضر مسیر رسیدن به غار برای بازدیدکنندگان مثل گذشته دشوار نیست. در گذشته گردشگران برای رسیدن به غار باید مسیر دشواری را طی می‌کردند و برای رسیدن به دهانه غار باید از روی سنگ



چین‌ها و پلکان‌های چوبی عبور می‌کردند. طبق تحقیقات، این غار در دوره «مزوزوئیک» زیر آب بوده و در اواخر همین دوره زمین‌شناسی از آب بیرون آمده و در دوره سوم زمین‌شناسی شکل گرفته است، اگر چه ساخت دستی آن به دوره سوم میلادی بر می‌گردد. قابل توجه است که در بعضی از قسمت‌هایی از غار هنوز آب وجود دارد و برای تردد در بعضی از جاها باید از قایق‌های کوچک بهره برد.

نکته مهم این غار معماری آن است. این غار که بزرگ‌ترین غار دست‌کند ایران است، نزدیک به ۷۵۰ متر طول دارد و در قسمت فوقانی آن، چهار طبقه دست‌ساز وجود دارد. در هر طبقه اتاق‌ها تو در تو که از بیرون غار نورگیری می‌شود وجود دارد. برای اتصال طبقات هم راهروهایی ساخته شده است و رفت و آمد به طبقات با این دالان‌ها صورت می‌گیرد. ساختار این غار طوری است که بعضی از جاهای آن وسعت زیاد با سقف‌های بلند دارد و در جای دیگر سقف آن بسیار کوتاه است و باید به طور سینه‌خیز و بسیار مشکل از آنجا عبور کرد. همچنین به تصاویر و اشکال نقاشی شده داخل غار به عنوان یکی از جاذبه‌های این غار می‌شود اشاره کرد. از آنجا که این غار در دوره‌های مختلف محل سکونت انسانها با شرایط زندگی متفاوت بوده، دچار تغییراتی هم شده است. این تغییرات محسوس و قابل دید است به طوری که وقتی در بین دالان‌ها حرکت می‌کنید، در بین راه به دالان‌ها و دهانه‌های متعددی برخورد می‌کنید که بعضی از آنها به دلیل ریزش، قابل دسترس کسی نیستند و به همین علت هم شناسایی کامل غار تاکنون مهیا نشده است و نقشه کاملی از غار در دسترس نیست. اما با این وجود بروشورهایی به زبان فارسی از جاهایی که شناسایی شده‌اند، برای گردشگران موجود است.

طبقه سوم این غار از نظر معماری بسیار زیبا و دیدنیست. سقف‌های این طبقه به شیوه کمانی و به سبک ویژه‌ای ساخته شده‌اند و با وجود پله‌ها، درگاهی‌ها، پنجره‌ها و نورگیری اتاق‌ها، سبک معماری آن قابل توجه شده است و گفته شده است که از نظر تزئینات موجود در پنجره‌ها، قابل مقایسه با آثار موجود در معماری تپه نوشیجان ملایر از دوران مادهاست. همچنین، یکی دیگر از شگفتی‌های طبقه سوم وجود اتاقیست که بر روی در ورودی آن کتیبه‌ای یونانی نصب شده است و با وجود آسیب‌های زیاد، یادآور «الهی هراکلیس» می‌باشد. ذکر «الهی هراکلیس» در این کتیبه باعث شده است که این غار به معبد «الهی یونانی» نیز مشهور شود. در این کتیبه آمده است: «این خانه هراکلس است، هر کس در آن وارد شود در امان است.» بودن این کتیبه این گمانه را تقویت می‌کند که این غار پس از فتوحات مهرداد دوم اشکانی و حرکت او به سمت غرب ایران، مدتی محل اقامت سلوکیان بوده است. این را هم باید توضیح داد که در این غار جاهایی جهت قرار

داشتن کلون و چفت و بست پنجره‌ها دیده می‌شود و همچنین درگاهی‌هایی که باعث امنیت هر قسمت می‌شده است. دیدن این ساختار نشان می‌دهد که معماری این غار در زمان ساخت آن بسیار پیشرفته بوده است.

و اینک که مختصری از مشخصات غار برای بازدید کنندگان توضیح داده شد، مسیرهای دسترسی به غار هم معرفی می‌شود. برای رسیدن به این غار از مسیرهای مختلف می‌توان حرکت کرد و از هر سمت که حرکت کنیم در نهایت به شهر «تکاب» خواهیم رسید و این شهرگذر اصلی برای رسیدن به این غار است. یکی از راههایی که می‌توانیم انتخاب کنیم، جاده کردستان است. در این مسیر باید ابتدا از شهر «سندج» و سپس شهر «دیوان دره» بگذریم و از آنجا هم به شهر «سقز» و سپس به سمت سه راهی «تکاب» حرکت کنیم و از سه راهی «تکاب» هم با هدایت تابلوهای راهنما، به سمت غار «کرفتو» رفته و بعد از ۳۳ کیلومتر طی مسافت از سه راهی «تکاب»، به غار برسیم. راه دیگر اتوبان زنجان است. از اتوبان زنجان به سمت «بیجار» و از آنجا به «دیوان دره» می‌رویم و ادامه راه را مثل مسیر قبل ادامه می‌دهیم. این را متذکر می‌شویم که به طور کلی مسافتی که از پایان اتوبان زنجان تا غار باید طی کرد، ۲۷۰ کیلومتر است. راه سوم هم از طریق آذربایجان شرقیست که از «تبریز» به «عجب شیر» و از آنجا به «بناب»، «ملکان»، «میان‌دوآب»، «بوکان» و «سقز» می‌رویم و از آنجا به سه راهی «تکاب» و از آنجا هم به سمت غار «کرفتو» حرکت می‌کنیم.

چند نکته هم هست که باید در این سفر رعایت کنیم تا سفری به یاد ماندنی داشته باشیم. این نکات به شرح ذیل است:

اولین مسئله‌ای که باید مد نظر بگیریم این است که پارکینگ تا مدخل غار، با ۲۲۰ پله متصل می‌شود و باید برای رسیدن به غار این پله‌ها طی شود. دوم، این که با وجود دسترسی به آب آشامیدنی، بهتر است در فصول گرم سال آب آشامیدنی به همراه داشته باشید. سومین، مورد این است که در داخل غار اغلب راهنما وجود ندارد، پس بهتر است قبل از بازدید، بروشور غار را تهیه فرمایید. چهارمین، مسئله این است که بعضی مواقع به علل مختلف برق داخل غار قطع می‌شود، و چون محوطه غار بسیار تاریک است، همراه داشتن چراغ قوه برای شناسایی راه در چنین مواقعی کمک بزرگی خواهد بود و پنجمین، موضوعی که باید توجه داشته باشید این است که در محوطه بیرونی غار درخت یا سایه بان وجود ندارد. اگر قصد دارید برای مدت طولانی در این محوطه بمانید، مراقب آفتاب سوختگی باشید.

منبع:

- * سازمان میراث فرهنگی کشور
- * ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد
- * بیتوته
- * کویرها و بیابانهای ایران، ؛ سهولان - آذربایجان غربی
- * فرارو (باید رفت باید دید) غار آبی شگفت‌انگیز سهولان
- * بچه‌های زمین ۹۱ بوعلی

شکوه‌شکر پروردگارا!

روزی حضرت عیسی (ع) از خداوند درخواست کرد تا کسی را به او نشان دهد که نزد خدا محبوب‌تر از او باشد. خداوند عیسی را به سوی پیرزنی که در کنار دریا زندگی میکرد، راهنمایی نمود. وقتی عیسی (ع) به سراغ آن زن آمد، دید که او در خرابه‌ای تنها زندگی میکند و با بدنی فلج و چشمانی نابینا در گوشه‌ای رها شده است. حضرت عیسی (ع) جلوتر رفت ودقت کرد، دید پیرزن مشغول ذکر است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِيعِ الْمُفْضِلِ الْمُجْمِلِ الْمُكْرَمِ»، «خدایا شکر که نعمت دادی، کرم کردی، زیبایی دادی، کرامت دادی.»

حضرت عیسی (ع) تعجب کرد که او با این بدن فلج که فقط دهانش کار میکند، چرا چنین ستایش می‌کند؟ با خود گفت که او از اولیای خداست و من بی‌اجازه وارد خرابه شدم؛ برگردم، اجازه بگیرم و بعد داخل شوم. به دم خرابه بازگشت و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّةَ اللَّهِ»؛ پیرزن گفت: «وعليكَ السَّلَامُ يَا رُوحَ اللَّهِ».

عیسی پرسید: خانم! مگر مرا می‌بینی؟ گفت: نه. پرسید: پس از کجا دانستی که من «روح‌الله» هستم؟ پیرزن گفت: همان خدایی که به تو گفت مرا ببین، به من هم گفت چه کسی می‌آید. عیسی با اجازه آن خانم وارد خرابه شد و پرسید: خداوند به تو چه داده است که این قدر تشکر میکنی؟ تشکر تو برای چیست؟ پیرزن گفت: یا عیسی، آن چه به من داده بود از من گرفت، آیا همین طور پس گرفته است؟ آیا وقتی می‌خواست آن را از من بگیرد، به من نگاه کرد و پس گرفت؟ عیسی فرمود: آری، اول به تو نگاه کرده و بعد پس گرفته است.

پیرزن گفت: من به همان نگاه او دل خوشم. خدا این نگاه را به دیگری نداشته و به من کرده است؛ پس جای شکر دارد.



آینه دنیا

نه تو مانی، نه اندوه و نه، هیچ یک از مردم این آبادی
به حباب نگران لب یک رود قسم
و به کوتاهی آن لحظه شادی که گذشت
غصه هم خواهد رفت
آن چنانی که فقط، خاطره‌ای خواهد ماند
لحظه‌ها عریانند
به تن لحظه خود، جامه اندوه میپوشان هرگز
تو به آئینه، نه؛ آئینه به تو خیره شده است
تو اگر خنده کنی، او به تو خواهد خندید
و اگر بغض کنی
آه از آئینه دنیا، که چه‌ها خواهد کرد
گنج دیروزت پر شد از حسرت و اندوه و چه حیف
بسته‌های فردا، همه‌ای کاشای کاش
ظرف این لحظه، ولیکن خالی است
ساحت سینه، پذیرای چه کس خواهد بود
غم که از راه رسید، در این سینه بر او باز مکن
تا خدا، یک رگ گردن باقی است
تا خدا مانده به غم وعده این خانه مده!
«کیوان شاهبداغی»

رخ پنهان

لبخند، پنجره ایی باز برای بستن در بر روی غمهاست.
لبخند، احساس درون مواجهه با مشکلات.
لبخند، اطمینانی که چهره‌ات در مخاطب ایجاد
می‌کند.
لبخند حرکت بر روی خطی صاف با دلی روشن.
«محمد علیزاده ثانی»